



مبانی، پیشینه و ادله اثبات مباحث به هم پیوسته

«ولایت الهیه»، «حکومت اسلامی» و

«ولایت فقیه»

در اقوال فقهای شیعه

با تکیه بیشتر بر اقوال مراجع عظام

و علمای اعلام معاصر

- حضرت امام خمینی رحمته الله علیه
- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)
- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)
- حضرت آیت الله العظمی سبحانی (دامت برکاته)
- حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی (دامت برکاته)
- حضرت آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته)
- استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری (رضوان الله تعالی علیه)
- علامه محمد تقی جعفری (رضوان الله تعالی علیه)

جلد پنجم:
تطبیق ویژگی‌های روایی ولی فقیه
با
حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



رهیافت اعتقادی؛
ولایت فقیه

ویژه استادان
پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

سرشناسه : طاهری بابادی، محمدرضا، ۱۳۵۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : مبانی، پیشینه و ادله اثبات مباحث به هم پیوسته «ولایت الهیه»، «حکومت اسلامی»
 و «ولایت فقیه» / نویسنده محمدرضا طاهری
 مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ج۵؛ ۱۱×۱۹/۵ س.م.
 شابک : 978-600-299-108-9
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه .
 مندرجات : ج. ۱. دین و سیاست . - ج. ۲. تعریف ولایت و ... - ج. ۳. ادله اثبات ولایت و ...
 - ج. ۴. شبهات رایج . - ج. ۵. تطبیق ویژگی های روایی ولی فقیه .
 موضوع : ولایت فقیه
 شناسه افزوده : مؤسسه انتشاراتی قدس رضوی
 رده بندی کنگره : ط ۱۸ / ۲۲۲ / ۸BP ۱۳۹۳ ۲م
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۸۷۱۱



رهیافت ۲۳، ولایت فقیه (جلد پنجم)

تهیه و تدوین: اداره پاسخگویی به سؤالات دینی

تنظیم و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

طرح جلد: گرافیک آسمان

صفحه آرا: محمود کریم پور

ویراستار: زینب سادات حسینی و سعیده تیمورزاده

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۵

نشانی: حرم مطهر امام رضا علیه السلام، صحن جمهوری اسلامی،

اداره پاسخگویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۲۴۰۶۰۲ - ۰۵۱ - ۳۲۲۴۰۶۰۲ دورنگار: ۰۵۱ - ۳۲۲۴۰۶۰۲

رایانامه: eppasokh@aqrazavi.org

فهرست

مقدمه ۷

پیشگفتار: ۹

۱. شرایط ولی منصوب به شرایط (ولی فقیه) ۱۱

۱.۱. علم و فقاہت ۱۵

آیا اعلمیّت برای ولی فقیه شرط است؟ ۲۱

تفاوت اعلمیّت در ولی فقیه با اعلمیّت در مرجع تقلید... ۲۴

صلاحیت علمی؛ شرط لازم، نه کافی ۳۳

صلاحیت علمی معتبر در اداره جامعه؛ در بیان فقهای

بزرگ شیعه ۳۴

۲.۱. عدالت و تقوی ۳۹

۳.۱. درایت و تدبیر و کارآمدی ۵۰

شرایط و صفات رهبری ۵۴

بررسی تطبیقی ویژگی‌های روایی «ولی

فقیه» با خصوصیات آیت‌الله العظمی

خامنه‌ای (مدظله العالی)؛ در کلام بزرگان .. ۶۰

۱. علم و فقاہت ۶۰

۲. عدالت و تقوی ۷۱

۳. درایت و تدبیر و کارآمدی ۸۰

مقدمه

قال الرضا عليه السلام: رحم الله عبداً أحمياً أمرنا فقلت له: وكيف يحيى أمركم؟ قال: يتعلم علومنا ويعلمها الناس...^۱

عبدالسلام می‌گوید: «از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: 'خداوند رحمت کند هر آن کس را که امر ما را زنده می‌کند.' به ایشان گفتم: 'چگونه امر شما را احیا می‌کند؟' فرمود: 'علوم ما را فرا می‌گیرد و آن را به مردم تعلیم می‌دهد...'.»

«اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی» مفتخر است در راستای رسالت خود مبنی بر اشاعه فرهنگ تشیع و پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی مردم در این حوزه گسترده از دین، محتوای پیش رو را به استادان فرهیخته تقدیم کند. در این نوشتار تلاش کرده‌ایم علاوه بر دادن اطلاعات و محتوای غنی، پاسخی مناسب با محتوایی یکسان در اختیار استادان قرار دهیم تا از تعدد جواب و تشویش خاطر مراجعان و سؤال‌کنندگان جلوگیری شود.

تلخیص کتاب‌های تخصصی موجود در این حوزه و جمع‌بندی جواب‌ها و بی‌نیاز کردن استادان از رجوع به منابع پرشمار در هنگام پاسخ‌گویی، از اهداف اصلی تهیه و تنظیم این قبیل نوشتارهاست. برای رسیدن به این مهم، کارگروهی از استادان و کارشناسان فرهیخته

۱. شیخ صدوق، عبون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۶۹.

این اداره موضوع پیشنهادی را موشکافانه بررسی می‌کنند و محصول تلاش خویش را به داوری و نظارت هیئت علمی می‌گذارند. این مجموعه کتاب‌ها در چهار دسته موضوعی تدوین و ارائه می‌شود: رهیافت احکام، رهیافت اعتقادی، رهیافت تربیتی و رهیافت ترکیبی (مربک از هر سه موضوع). بی‌شک بررسی دقیق و نگاه نقادانه شما فرهیخته گران‌قدر، ما را در جهت بهبود این مجموعه یاری خواهد کرد.

جبهه خضوع به درگاه قدسی احدیت می‌ساییم که توفیق خدمت در بارگاه ملکوتی و سراسر نور حضرت رضا علیه السلام را ارزانی مان فرمود. امید است بتوانیم به پاس این افتخار و با استعانت از آن امام همام علیه السلام، به مصداق روایت نورانی فوق، جرعه‌ای از علم حقیقی بنوشیم و به تشنگان راستین آن بنوشانیم.



پیشگفتار:

قال الباقر عليه السلام: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْوَلَايَةِ.»^۱

قال المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف: «... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...»^۲

توجه دادن به امر خطیر ولایت و حکومت دینی از واقعیت‌هایی است که در قرآن کریم، به اجمال و در کلام اهل بیت علیهم السلام، به صورت مفصل تر و باصراحت بیشتر موج می‌زند. ایشان از شیعیان و پیروان خویش توقع دارند که در تمام زمینه‌های مرتبط با دین‌داری به‌ویژه بحث ولایت، اهل فهم و بصیرت باشند؛ این مهم در کلام فقهای شیعه، به‌ویژه اقوال مراجع عظام و علمای اعلام معاصر، تجلی و وضوح بیشتری یافته است.

بایسته و شایسته است که مبلغان و نخبگان دینی، در کسوت افسران جنگ نرم عقیدتی، آن‌چنان که در کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی) عنوان شده است، برای پاسداری از حریم عقیدتی شیعه و پاسخ‌گویی شبهات، به تدارک و ارائه خوراک فکری و روحی متقن و منطبق با فضای فکر و اندیشه مخاطبان‌شان اقدام کنند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

این تلاش ارزشمند، ان شاء الله، موجب زدودن شبهات، بصیرت‌افزایی (افزایش قدرت تشخیص راه از بی‌راهه)، صیانت از مرزهای عقیدتی، تداوم حرکت در طریق مستقیم ولایت و نجات در دنیا و آخرت و سعادت فرد و جامعه خواهد شد.

در مجموعه پیش‌رو، سعی شده است که اقوال مراجع عظام و علمای اعلام معاصر، حول محور مباحث ولایت فقیه، گردآوری، دسته‌بندی و موضوع‌گذاری شود؛ به گونه‌ای که به بهترین وجه بتوان از آن‌ها استفاده کرد.

امید است در راه تحقق آرمان‌های اسلام عزیز، قدمی برداشته و به این سبب، در پیشگاه خداوند متعال، حداقل شکر نعمت زندگی در فضای وجودی ولایت را به جای آورده باشیم.

این مجموعه، با همت سرور گرامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین طاهری تنظیم شده است؛ خداوند بر توفیقات ایشان بیافزاید.

۱. شرایط ولی منصوب به شرایط (ولی فقیه)

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: حکومت و ولایت بنا به نظر اسلام، مخصوص خدای متعال است و خدای متعال حاکمیت الهی را در بندگان برگزیده و پیامبران خود منسجم فرموده و انبیای الهی هم به حاکمیت الهی ادامه دادند تا دوران ختم نبوت. بعد از وجود مقدس پیغمبر ﷺ، ائمه معصومین علیهم السلام و اولیای خدا، ولی الهی بودند و همان ولایت الهی در ولایت ائمه علیهم السلام مجسم شد و در دوران غیبت کبری، هم به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم بر حسب ادله اسلامی و شرعی، این ولایت و این حاکمیت، مخصوص است به انسان دین شناس، عادل، بصیر به اوضاع و احوال زمان؛ یعنی فقیه. عرض کردیم که این سلسله مراتب حکومت و ولایت الهی است و در اینکه امروز شایسته ترین افراد برای حکومت، فقیه جامع الشرایط است، علی الاصول بین فرقه اسلامی هیچ گونه اختلافی نیست و همه قبول دارند که در هر شرایطی وقتی که ولی منصوب از قبیل خدا نیست؛ وجود ندارد، یعنی منصوب به شخص، آن کسی از همه شایسته تر است که به معیارهای اسلامی نزدیک تر باشد، یعنی فقیه جامع الشرایط، عادل، عالم و مخالف با هوای نفس و بصیر به اوضاع زمان و دارای قدرت تدبیر؛ یعنی همان چیزی که ما در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در نظام این جمهوری به عنوان ولایت

فقیه شناختیم.^۱

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: آنجایی که [کسی از] جانشینان پیغمبر منصوب نیست، آن‌ها [فقه] هستند و آن وقتی که حاکم منصوب من قِبَلِ الرَّسُول^۲ وجود ندارد، مثل زمان ما که امام منصوبی وجود ندارد که اختلاف بین کسانی که قائل به نصب خلیفه بعد از پیغمبر هستند و کسانی که قائل به عدم نصب هستند، [وجود داشته باشد] امروز دیگر آن اختلاف در پیدا کردن حاکم اسلامی معنی ندارد؛ چون علی‌ای حال چه قائل به نصب باشیم، چه نباشیم؛ امروز آن حاکم منصوب و امام با آن معیارها وجود ندارد؛ [پس] باید برویم سراغ معیار. کدام معیارها هست که می‌تواند حاکم با داشتن [آن‌ها] بر مردم حکومت کند «مِنْ قِبَلِ اللَّهِ» و حکام اسلامی آن شأن را باید داشته باشند؟ باید خودش تهذیب شده باشد؛ اعتبار علم و عدالت در حاکم اسلامی از اینجاست.^۳

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: حکومت یک امر بی‌ملاک و بی‌مناط نیست؛ مثل اینکه بر حسب شانس و اقبال، یک نفر بیاید زمام امور مردم را در هر رده‌ای از رده‌ها برعهده گیرد؛ بلکه تابع معیارهاست و مهم‌ترین کار این است که این معیارها رعایت شود. البته امکان خطا و اشتباه، هم در تشخیص و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۷ اسفند ۶۶.

۲. حاکمی که از سوی پیامبر ﷺ نصب شده باشد.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۷ دی ۶۳.

هم در عملکرد کسانی که تشخیص درستی نسبت به آن‌ها داده شده، همیشه متصور است؛ بنابراین ما از کسی انتظار عصمت نداریم؛ لیکن اسلام در باب گزینش حاکمان در هر رده‌ای از رده‌ها، چه رده‌های بالا که سیاست‌های کلان، کارهای بزرگ و اداره امور کلی کشور در دست آن‌هاست، چه رده‌های متوسط و پایین، معیارها و شرایطی گذارده است و آنچه برعهده ماست، این است که این معیارها به طور کامل رعایت شود.^۱

رهبر معظم انقلاب مدظله: اصل تِز ولایت فقیه که این را ما از روایات [و] از قرآن استنباط می‌کنیم، استناد به کلمات فقها می‌کنیم؛ این معنایش این است که این موضوع در شرع تثبیت شده، بیان شده [و] یک حکم شرعی است. شارع مقدس معیارها را بیان کرده... این مرحله تعیین معیارها برای حاکم است؛ باید عالم باشد، باید فقیه باشد، باید عادل باشد و... این‌ها را از شرع ما می‌گیریم.^۲

رهبر معظم انقلاب مدظله: آنچه به صورت اصلی به عنوان شرایط اصلی برای مجری امور جامعه [و] اداره‌کننده امور جامعه، بر مبنای تفکر اسلام لازم است، همین دو صفت است؛ یعنی فقاقت و عدالت: فقیه باشد؛ دین را بشناسد و عادل باشد؛ اشتباه نکند. البته فقیه عادل اگر بخواهد جامعه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳ اسفند ۸۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۵ بهمن ۷۶.

را درست اداره کند، باید قدرت تدبیر و ادارهٔ امور را هم داشته باشد. اگر بخواهد جامعه را از لغزش در پرتگاه‌ها نجات بدهد، باید عالم‌شناس و جریان‌شناس و مردم‌شناس هم باشد؛ دارای حکمت سیاسی هم باید باشد. مبنا آن دو صفت است؛ این صفات هم در کنار آن دو صفت جزو لوازم است.^۱

رهبر معظم انقلاب مدظله: ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است؛ مثل ضابطهٔ کشورهای سرمایه‌داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آن‌ها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب می‌کنند؛ اما ضوابط آن‌ها این است: جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، این‌ها نیست؛ ضابطه، ضابطهٔ معنوی است. ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت.

علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین می‌کند؛ این‌ها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام.

کسی که در آن مسند حساس قرار گرفته است، اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه‌ها شود، چنانچه همهٔ مردم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۳۰ اردیبهشت ۶۲.

کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد.^۱

۱.۱. علم و فقاہت

رہبر معظم انقلاب مدظلہ: در زمان حاضر که قرار است همان ولایت منتقل بشود به یک انسانی، چه کسی مقدم است؟ چه کسی شایسته تر است؟ چه کسی اطمینان [برانگیزتر] و اعتمادبرانگیزتر است؟ آیا آن کسی که اصلاً اسلام را نمی‌شناسد؛ دین را نمی‌شناسد؛ با قرآن آشنا نیست؟! [آیا کسی که] احياناً اعتقادی به قرآن یا به خدای قرآن و آورنده قرآن ندارد؟ آیا او بیاید و زمام امور مسلمین را برعهده بگیرد یا انسانی که واقف به قرآن است، عالم به قرآن است، مسلط به دین است، آگاه از احکام ماست و می‌تواند احکام اسلامی را بدون اینکه از دیگری تقلید کند و سؤال کند، خودش از منابع اسلامی به دست بیاورد و استنباط کند؟! خُب طبیعی است که این دوّمی مقدم است.^۲

رہبر معظم انقلاب مدظلہ: به عنوان اجراکننده این احکام در جامعه، آن کسی از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی باشد: اوّل اینکه، این احکام را، شریعت اسلام را، فقه اسلام را از همه بهتر بداند؛ تسلط و احاطه کامل به

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظلہ العالی) در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (علیہ السلام)، ۱۴ خرداد ۸۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظلہ العالی) در خطبه‌های نماز جمعہ، ۱۶ بهمن ۶۶.

احکام الهی و قوانین الهی داشته باشد.
...مطلبی که به صورت اصولی باید مورد توجه
باشد، این است که ولایت فقیه یعنی حکومت آن
آگاه به دین؛ حکومت و تسلط آن کسی که دین
را می‌شناسد و دارای عدالت نیز هست.^۱

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: آن کسانی در رأس حکومت قرار
بگیرند که خلفاء الله باشند. چه کسی می‌تواند
خليفة الله باشد؟ ساده‌ترین شرط خلافت الهی دو
چیز است، این کمترینش است که دیگر از این
کمتر نمی‌شود: اول، علم به احکام الهی؛ دوم،
تقوا در حدی که او را از گناه بر کنار بداند که ما
تعبیر می‌کنیم از او به عدالت. پس علم و عدالت
شرط اول این است که یک حاکمی بخواهد
نیابت از طرف پروردگار بکند و خلافت از طرف
پروردگار بکند. این همان معنای ولایت فقیهی
است که ما می‌گوییم. ... بین هیچ فقیهی که
با اسلام آشناست، در معنای ولایت فقیه اختلافی
نباید باشد؛ حالا اسمش را ممکن است ما بگذاریم
ولایت فقیه. در کدام فقه یا کدام مذهب دیگر،
اسم دیگری برایش می‌گذارند؟ بحث سر اسماء
ما نداریم؛ ولایت فقیه یعنی حاکمیت کسی که
دین را می‌شناسد [و] عالم به دین است؛ می‌تواند
احکام الهی را از کتاب و سنت درک کند؛ این،
فقیه است. ما می‌گوییم این‌ها باید حاکم باشند؛
ما می‌گوییم فسّقه و فجّره و جهّله به دین،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه،

نمی‌توانند حاکم باشند؛ این معنای ولایت فقیه است. این ایده ولایت فقیه است که امروز در بین فقهای شیعه رایج است و قبول دارند و بنای نظام جمهوری اسلامی ما هم بر همین است.^۱

رهبر معظم انقلاب مدظله: اولاً در باب شرایط این رهبری که فرمودند: «أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»،^۲ این اعلم، اعلمیت به فروع کم‌اهمیت فقهی نیست؛ مسأله دماء ثلاثه و لباس مشکوک و فروع علم اجمالی و از این قبیل نیست که اگرچه از لحاظ علمی و فنی و صنعتی ممکن است که وقت زیادی را ببرد و فنانین را به خود مشغول کند و احیاناً وسیله امتحان قرار بگیرد که آیا کسی فنون فقاقت را وارد است یا نه؛ اما اهمیت صد مسئله و صدها مسئله از آن قبیل، به قدر اهمیت مباحثی در فقه اسلام که مربوط به رهبری است، نمی‌شود. رهبری ناظر به مسائل کلی عالم اسلام است؛ راجع به اداره کلی جامعه اسلامی است و اگر چنانچه بخواهیم این را درست مشخص بکنیم، ناظر است به جهات صحیحی که یک جامعه و یک دولت بایستی به آن جهات متوجه بشوند و آن را پیمایند.^۳

حکومت اسلام، حکومت قانون است. حاکم که اجراکننده این قانون است، باید از قانون الهی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در جمع علمای شیعه و سنی ایران‌شهر، ۱۹ دیبهبشت ۶۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳: «در آگاهی از فرمان خدا دانایتر باشد.»

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸ دی ۷۲.

آگاهی داشته باشد... و علت آن روشن است؛ زیرا باید حلال و حرام را به خوبی تشخیص دهد تا در اجرا، مرتکب خلاف نشود.

در این باره امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

«چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، برای زمامدار، علم به قوانین لازم می‌باشد. چنان‌که در روایت آمده است، نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه یا مقامی داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد؛ منتهی حاکم به خاطر عظمت مسئولیت، لازم است آگاهی علمی بیشتری داشته باشد؛ تا آنجا که می‌گویند: حاکم و خلیفه اولاً باید احکام اسلام را بدانند، یعنی قانون دان باشد و ثانیاً عدالت داشته [باشد و] از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد. عقل همین اقتضا را دارد؛ زیرا حکومت اسلامی، حکومت قانون است؛ نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم. اگر زمامدار، مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست.»^۱

«اگر بگوییم حکومت اسلامی در صورت عدم امکان دسترسی به امام معصوم علیه السلام، از شئون فقیه عادل است، در این صورت، حاکم باید فقیه باشد...؛ چنان‌که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در ضمن خطابه آتشین خود در 'منا' فرمود: 'مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ...؛ اجرای امور و احکام (رتق و فتق امور) را خداوند به دست عالمان خدانشناس و

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، حکومت اسلامی، ص ۵۹ و ۶۰.

امینان حلال و حرام خود داده است ...^۱.
 خطاب به اهل کوفه هم فرمودند: 'فَلَعَمْرِي مَا
 الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ
 بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ؛
 به جان خودم سوگند! امام کسی نیست جز آنکه
 مطابق کتاب خدا حکم و به عدالت رفتار کند و
 به دین حق پایبند باشد و نفس خود را در مقابل
 خدا مسئول شمارد؛ والسلام.^۲

معلوم است، قیام به قسط و حکم به کتاب
 خدا، بدون اطلاع از قانون اسلام یا اجتهاد
 امکان پذیر نیست.^۳

«اسلام، یک مجموعه منسجم است؛
 به گونه‌ای که دیانت آن، عین سیاستش و
 سیاست آن، عین دیانتش است و فهم درست
 و کامل ره‌آورد وحی، زمانی صورت می‌گیرد
 که فقیه، به همه ابعاد آن آگاه باشد؛ از این رو،
 اسلام شناس واقعی، کسی است که در همه اصول
 و فروع، در عبادات و عقود و احکام و ایقاعات و
 سیاست اسلامی مجتهد باشد؛ بنابراین، کسی که
 در تحلیل همه معارف دین، اجتهاد مطلق ندارد و
 به اصطلاح، 'مجتهد مطلق' نیست، بلکه 'مجتهد
 متجزی' است، صلاحیت ولایت بر جامعه اسلامی
 و اداره آن را ندارد؛ همچنین فقیه‌ی که ابعاد
 سیاسی اسلام را خوب نفهمیده است، توان چنین
 مسئولیت عظیمی را نمی‌تواند داشته باشد.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۸.

۲. دیلمی، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۹.

۳. نک: حسین جوان آراسته، مبانی حکومت اسلامی، ص ۲۴۶ تا ۲۴۴.

فقیه حاکم بر نظام اسلامی که در عصر غیبت، مجری و حافظ و مبین قرآن است، باید به تمام جوانب آن آگاه باشد. او باید علاوه بر شناخت احکام و معارف قرآن کریم، دربارهٔ انسان و جامعهٔ اسلامی، روایات رسیده از عترت علیهم‌السلام را نیز به خوبی بررسی کند و به شناختی کامل و جامع از احکام اسلام برسد. اگر برای شخصی، برخی از مسائل اسلامی حل نشده و خود نمی‌تواند آن‌ها را عمیقاً بررسی کند، او ولیّ مسلمین نیست؛ یعنی نه 'مرجع فتوا' است و نه 'مصدر ولایت'؛ نه می‌تواند فتوا بدهد و نه می‌تواند اسلام را به اجرا درآورد.

فقیه‌ای که شعاع عملش، همدوش شعاع فقه باشد و بتواند مسائل جدید و مستحدثهٔ مسلمین را حل کند و آن‌ها را بر اصول و فروع دین تطبیق دهد، او مجتهد مطلق است که در صورت واجد بودن شرایط دیگر، می‌تواند مسئولیت ولایت و مدیریت جامعهٔ اسلامی را بپذیرد و از عهده آن برآید.^۱

«فقاہت، اولین شرط احراز مقام ولایت در حکومت اسلامی است؛ زیرا چنان‌که گذشت، اصل اولی در اسلام، حرمت ولایت احدی بردیگری است؛ مگر شخصی که با دلیل از این اصل خارج شده باشد که او همان فقیه عادل است.

از مرحوم آیت‌الله بروجردی نقل کردیم که در درس خود فرموده بودند: 'موقعیت در عصر معصومین علیهم‌السلام پس از نهی از مراجعه به طاغوت و منع از تمایل و کمک به آنان، آن بود که حتماً

۱. نک: عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت، ص ۱۳۷.

باید سؤال کنند که در صورت عدم دسترسی به شما باید به چه کسی مراجعه کنیم؟ و حتماً آن بزرگواران علیهم السلام، فقیه مجتهد عادل را نصب کرده‌اند؛ زیرا هیچ‌یک از علما، به ولایت غیر فقیه معتقد نیست [یعنی خارج از ذائقهٔ مکتب الهی اسلام است]»^۱.

«مرحوم نزاقی روایات بسیاری مانند: 'الْفَقَهَاءُ أَمَنَاءُ الرَّسُلِ'،^۲ 'نَظَرَفِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا'،^۳ 'خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ أُمَّةِ الْهُدَى'،^۴ [و] 'فَأِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ'،^۵ را نقل کرده و فرموده‌اند: 'مُسَلِّم است این‌گونه تعبیرات دربارهٔ افرادی عادی و غیر مطلع بر ذائقهٔ فقاقت و کلمات حضرات معصومین علیهم السلام ممکن نیست؛ به دیگر بیان، باید چنان از سرچشمهٔ علوم و تقوای اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده باشد که خود تمثلی از معدن و منبع فقاقت باشد و ذهن معتدل ابا دارد که این چنین تعبیرات فوق‌العاده بر کسانی منطبق باشد که مسائل را به طور تقلید فرا گرفته‌اند.'^۶

آیا اعلمیّت برای ولی فقیه شرط است؟

«مسئلهٔ اعلمیّت در موضوع 'حکومت و ولایت'، غیر از اعلمیّت در باب اجتهاد و تقلید است: اعلمیّت در اجتهاد و تقلید، به معنای آن است که

۱. نک: البدر الزهراء (تقریرات درس خارج آیت الله بروجردی رحمته الله علیه)، ص ۵۱ و ۵۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۷.

۴. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ص ۴۵۸.

۵. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۶. حسن ممدوحی، حکمت حکومت فقیه، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

فقیه صاحبِ فتوا، بتواند بهتر از همهٔ مجتهدان، احکام شرعی را از روی ادلّهٔ تفصیلی آن، استنباط کند؛ اما اعلمیّت در حکومت، فقط منحصر به قدرت و توانایی ذهن در استنباط احکام نیست؛ بلکه فقیه صاحبِ ولایت، باید از بینش عمیق اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده و بر حوادث مختلف نیز آگاهی فراوان داشته باشد.^۱

«آنچه در این مسئله می‌توان گفت، آن است که شرط اعلمیّت باید از باب تعدّد، مطلوب باشد؛ بدان معنا که اگر فردی یافت شود که جمیع شرایط رهبری، از حذاقت و درایت گرفته تا آگاهی بر شرایط پیچیدهٔ سیاست‌ها را داشته باشد و علاوه بر آن اعلم هم باشد، قطعاً رهبری در او متعیّن شده و تصدّی آن برای دیگری جایز نیست؛ ولی اگر این شرایط فوق‌العاده، نظیر عارف بودن به زمان و داشتن درایت سیاسی و اطلاعات بسیار بر مسائل پیچیدهٔ زمان که شاید در دهه‌های قبل لازم نبود، امروزه در اعلم یافت نشود، تصدّی اعلم برای ولایت و حکومت، غیرمعقول است و قطعاً جایز نیست؛ زیرا نظام سیاسی عالم و مدیریت آن به شدّت در این عصر پیچیده است و در این عصر برای ملل جهان، به‌ویژه جهان سوم، کسانی نقشه‌های استعماری را طراحی می‌کنند که اطلاعات وسیعی در زمینه‌های احوال مختلف جهان و مردم دارند؛ مانند: آگاهی از وضعیت جغرافیایی منطقه‌ها، وضعیّت تاریخی و اطلاع از معادن و ثروت‌های ملی در سرزمین‌های مختلف

۱. نک: سیدکاظم حائری، بنیان حکومت در اسلام، ص ۱۸۶.

که جملگی در تصمیم‌گیری‌های آنان دخیل است.

امروزه نیز پیشرفت علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به معنای وسیع آن، توانایی خاصی به نظام تبلیغاتی و دستگاه‌های سیاسی آنان داده است که از ترفندهای خاصی برای رسیدن به مقاصد خود بهره گیرند.

آنان در برخوردها و نشست‌ها، با به‌کارگیری فنون خاص خود، میزان توانایی‌های مسئولان و احياناً قوت و ضعف‌های آنان را حدس می‌زنند و نقشه نفوذ خائنانه خود را بر حسب خصوصیات او پی‌ریزی می‌کنند؛ گذشته از همه این امور، پیشرفت علوم و تکنولوژی و دردست‌داشتن توانایی نظامی و دراختیارداشتن اقتصاد و بازار جهان، بر حساسیت زمان می‌افزاید. به‌کارگیری دستگاه‌های سرّی و جاسوسی با حيله‌ها و تزویرهای سیاسی نیز مسئله‌ای است که مشکل مدیریت بر جوامع درحال رشد را چند برابر می‌کند. ازاین‌رو، ولی فقیه باید گذشته از اطلاع وسیع بر فقه و داشتن ملکه اجتهاد، فردی باشد که شخصیت او رشد یافته و بر زوایای وضعیت سیاسی و جغرافیایی جهان اطلاع داشته باشد تا بتواند از نظام اقتصادی و مرز قدرت‌ها، نفوذ و نقشه‌های آنان مطلع شده و جاذبه‌های تصنعی و دروغین آن‌ها را خنثی کند. اگر اعلیم زمان واجد چنین شرایطی باشد، موهبتی است الهی که همگان از شکر آن عاجزند و در غیر این صورت، مسئله را باید به‌طور تعدّد مطلوب عنوان کرد که

اگر شرایط فوق در اعلمی زمان بود، او متعیّن است و در غیر آن، باید به مجتهدی روی آورد که بتواند در شرایط حسّاس و در صورت برخورد با مشکلات، ملت را رهبری کند.

امروزه استعمارگران با استفاده از شیوه‌های جدید استعماری، در زمینه‌های مختلف برای ملل مستقل، مشکلاتی ایجاد می‌کنند که رهبر باید ملت را از آن مشکلات برهاند و چون زعامت و ولایت در اسلام از احکام اولیه بوده و قابل تعطیل نیست، در صورت نبودن اعلمی که این شرایط را دارا باشد، باید به دنبال فرد مجتهدی رفت که در استنباط احکام توانا بوده، شرایط زعامت را داشته باشد، هرگز از چهارچوب فقه تجاوز نکند و تصمیم‌گیری او بر حسب معیارهای کتاب و سنّت و عقل باشد. در این صورت، تبعیت از او بر همهٔ مسلمانان واجب است و احدی حق تخلف از دستوراتش را ندارد و در زمینهٔ تشخیص‌های دقیق سیاسی او و نظام حکومتی که جملگی تحت ضوابط کتاب و سنّت است، تقلید از او واجب است.»^۱

تفاوتِ اعلمیّت در ولیّ فقیه با اعلمیّت در مرجع تقلید

«محور اصلی برتری علمی و اعلمیّت، 'دین‌شناسی' است و اعلم به کسی گفته می‌شود که در فهم دین و قانون شریعت، برتر از دیگران باشد. در برخی از روایات، تعبیر 'افقه فی الدین'، 'اعلم

۱. حسن ممدوحی، حکمت حکومت فقیه، ص ۲۱۳ تا ۲۱۵.

بکتاب الله و سنة نبیه، 'اعلم فی الاحادیث' و 'افقه فی الحدیث' دیده می‌شود. از این رو، برتری در علوم و فنون دیگر و امتیاز در دانش‌های گوناگون عقلی و تجربی؛ مانند ریاضیات، فیزیک و فلسفه، از حریم این ملاک و ترجیح به آن خارج است.

محقق نراقی رحمته الله علیه، برای اعلمیت در دین و شریعت، تفسیرهای هفت‌گانه‌ای بیان کرده است که درحقیقت، ابعاد گوناگون اعلمیت را تشکیل داده و مجموعاً 'اعلمیت مطلق' را به وجود می‌آورد:

- الف. احاطه بیشتر بر مسائل دین و احادیث؛
 - ب. درک قوی‌تر، دقت نظر بیشتر و تحلیل و بررسی عمیق‌تر در آن‌ها؛
 - ج. مهارت زیادتر در استخراج فروع از منابع و بازگرداندن جزئیات به قواعد کلی؛
 - د. آگاهی بیشتر به اعتبار احادیث و شناخت اسناد و اطلاع از نارسایی‌های آن‌ها؛
 - هـ. اطلاع بیشتر بر مقدمات فهم صحیح متون؛ از قبیل ادبیات؛
 - و. توازن و تعادل علمی و ذوق علمی بهتر در درک مسائل دین؛
 - ز. آگاهی بیشتر به آرای فقها و موارد اجماع و اقوال فقهای عامه.^۱
- «با جمع‌بودن امتیازات فوق، اعلمیت به مرحله عالی خود می‌رسد و فقیهی که از این برتری‌ها

۱. ملا احمد نراقی (محقق نراقی رحمته الله علیه)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۲، ص ۵۲۲.

برخوردار باشد، بر دیگران ترجیح می‌یابد؛ ولی از آنجاکه چنین جامعیتی در یک فرد، کمتر اتفاق می‌افتد، فقها برای ترجیح، بر عناصری که تأثیر بیشتری در فهم بهتر شریعت دارد، انگشت می‌گذارند؛ یعنی آشنایی بیشتر با قواعد و مدارک فقهی مسئله، اطلاع بیشتر به اشباه و نظایر مسئله و آگاهی کامل‌تر به روایات و درک بهتر آنان.^۱

«البته چنین تحلیل‌هایی از اعلمیّت، ناظر به شرایط مُفتی^۲ است و با در نظر گرفتن آن‌ها، فقیه فتوادهنده، از استنباط بهتر و قوی‌تری برخوردار بوده؛ در نتیجه، نظریه فقهی‌اش، اعتبار بیشتری خواهد داشت؛ ولی اعلمیّت در فقیه‌ای که رهبری و ولایت را برعهده دارد، ویژگی‌های بیشتری را می‌طلبد؛ زیرا در رهبری، علاوه بر آگاهی عمیق و اجتهادی از قوانین، احاطه بر رویدادها و موضوعات و حوادث نیز لازم است. این آگاهی بهتر و عمیق‌تر از قانون و شریعت، الزاماً به آگاهی بهتر از کیفیت اجرای شریعت نمی‌انجامد؛ از این رو، شرط اعلمیّت در رهبری، دو بُعد دارد:

الف. اعلمیّت در فهم دین و درک شریعت (افقه بودن)؛

ب. اعلمیّت در تشخیص موضوعات و شناخت رویدادها (ابصر بودن).

از این جهت، ولایت و رهبری جامعه، مانند قضاوت است که علاوه بر خوب فهمیدن قانون، به خوب تطبیق دادن آن بر حوادث نیز نیاز دارد؛

۱. نک: سیدمحمدکاظم یزدی، العروة الوثقی، بحث تقلید، مسئله ۱۷.

۲. فتوادهنده.

نه مانند افتا و مرجعیت که چون عینیت بخشیدن به قانون و عملی کردن فتوا، خارج از مسئولیت آن است، استنباط بهتر از منابع فقهی، برای آن کافی است.

امام علی علیه السلام به استاندار خود، مالک اشتر دستور دادند که شایسته‌ترین فرد را برای داوری انتخاب کند؛ سپس ملاک‌های برتری و افضل بودن را برشمردند. در فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بخشی از این امتیازات، به کمالات نفسانی و بخش دیگر به قدرت علمی و فکری قاضی در دو بُعد حکم‌شناسی و موضوع‌شناسی مربوط است. ایشان فرموده‌اند: 'ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا تَمَجِّكُهُ الْخُصُومُ... وَ أَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشُفِ الْأُمُورِ وَ أَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّصَاحِ الْحُكْمِ... وَ أَوْلَيْكَ قَلِيلٌ...؛ برای قضاوت و داوری بین مردم، بهترین رعیت نزد خود را انتخاب کن؛ آن که کارها به او سخت نیاید (مراجعه‌های فراوان او را به ستوه نیاورد) و نزاع‌کنندگان، قدرت تحمیل رأی خود به او را نداشته باشند... در تلاش برای کشف و آشکارکردن امور، از همه بردبارتر و با روشن شدن حکم، از همه بنده‌تر باشد... چنین افرادی بسیار اندک‌اند.'^۱

در روایاتی که از برتری و امتیاز علمی حاکم اسلامی، سخن به میان آمده، به هر دو بُعد اشاره شده است؛ زیرا تعبیر 'أَفْقَهُ' و 'أَعْلَمَ' به کتاب و سنت، در برخی از روایات، شرط دانان‌تر بودن

به احکام الهی را می‌فهماند و تعبیر کلی 'اعلم' در برخی دیگر، برتری در شناخت رخدادهای و موضوعات را نیز در برمی‌گیرد، به‌ویژه که امام صادق علیه السلام به ارتکاز عقلانی خود مردم در سپردن کارهایشان به دست اعلم استناد می‌کنند که با یافتن چوپان داناتر، چوپان خود را عوض کرده و گوسفندان را به اعلم می‌سپارند.^۱

پُر واضح است که در این مثال، صاحب حیوان، همان‌گونه که به دانش بیشتر چوپان در اطلاع از قواعد و ضوابط نگهداری و به چرابردن گوسفندان توجه دارد، به آگاهی بیشتر او از چراگاه‌ها و مراتع منطقه و تجربه بیشترش در برخورد با خطرات و حوادث نیز توجه می‌کند؛ از این رو، در الگوی ایده‌آل رهبری، از هیچ‌یک از این دو بُعد نمی‌توان غفلت کرد و آنان که اعلمیت را در بُعد اول، منحصر کرده و آن را مترادف با 'افقه بودن' شمرده و نیز کسانی که تنها بُعد دوم را لازم شمرده‌اند، مسئله را به صورت همه‌جانبه ارزیابی نکرده‌اند.^۲ در جلسات شواری بازنگری قانون اساسی، اعضا درباره این موضوع بحث کردند که نمونه‌ای از اظهارات آنان را به اختصار بازگو می‌کنیم:

۱. آیت‌الله امینی (حفظه الله تعالی): «در رهبر، اعلم بودن شرط هست یا نه؟ تعدادی روایت یادداشت کرده‌ام که در بعضی 'اعلم بامر الله فیه'

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۰؛ الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَحَدِّ لَا سَرِيكَ لَهُ وَانظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَوَ اللَّهُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الْعَنَمُ فِيهَا الرَّاعِي فَإِذَا وَجَدَ رَجُلًا هُوَ أَعْلَمُ بِعَنَمِهِ مِنَ الَّذِي هُوَ فِيهَا يُخْرِجُهُ وَ يَجِيءُ بِذَلِكَ الرَّجُلِ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِعَنَمِهِ مِنَ الَّذِي كَانَ فِيهَا.»

۲. نک: محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، ص ۳۲۵ و ۳۲۸.

ذکر شده؛ یعنی اعلم به مسائل و احکام (فقه)؛ در بعضی 'اعلم الناس' [آمده است] که این تعبیر با اعلم بودن در امور اجتماعی هم می‌سازد و صراحت در افق‌هیت ندارد؛ در بعضی هم اعلم به کتاب و افقه در دین آمده است. به هر حال، این موضوع هست که رهبر باید اعلم باشد؛ افقه باشد... چهارده روایت درباره شرط اعلمیت داریم که بعضی صحیح و بعضی موثقه هستند و در آن‌ها تصریح شده است: کسی برای زمامداری صلاحیت دارد که اعلم باشد؛ البته اعلم در کلیه مسائل: مسائل فقهی و مسائل حکومتی و تشخیص موضوعات.^۱

۲. آیت‌الله محمدی گیلانی رحمته‌الله علیه: «اعلم را در روایاتی که آمده است، این‌طور نیست که به معنای اعلم در ریزه‌کاری‌های فقه بگیریم. کسی ممکن است خیلی از ریزه‌کاری‌های فقهی را بداند؛ اما علم تدبیر و اداره یک حوزه پانصد نفری را نداشته باشد. از روایات اعلم نمی‌توان این‌گونه اعلم بودن را برای زعامت و ولایت استفاده کرد.»^۲

۳. آیت‌الله مؤمن (حفظه الله تعالی): «از نظر شرعی روایات متعددی داریم که در صورت وجود اعلم در جامعه، غیر اعلم نمی‌تواند رهبر باشد؛ البته اعلمیت را صرف اعلمیت در مسائل فقهی و استنباط احکام نمی‌دانیم؛ بلکه اعلم، هم در استنباط احکام و هم در شناخت موضوعات، باید

۱. نک: مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ص ۱۷۷.

۲. نک: مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ص ۲۵۶.

قوی تر از دیگران باشد.»^۱

۴. آیت الله آذری (حفظه الله تعالی): «در روایت عیص بن قاسم، شرط اعلم بودن آمده است که هم جنبه تئوری‌ها و احکام فقهی را دربر می‌گیرد و هم شامل جنبه مدیریت می‌شود؛ یعنی از کلمه اعلمیت، در هر دو جنبه استفاده می‌شود و چون شرع، اعلم را مقدم داشته است، خبرگان حق ندارند غیراعلم را ترجیح دهند.»^۲

۵. آیت الله مؤمن (حفظه الله تعالی): «در باب مرجع تقلید ممکن است بگوییم دلیلی بر شرط اعلم بودن نداریم، جز بنای عقلا؛ ولیکن در مسئله رهبری جامعه اسلامی، روایتی داریم که از طریق شیعه و سنی مستفیض است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند و صحیحۀ عبدالکریم بن عتبه و صحیحۀ عیص بن قاسم را [هم] داریم. اعلم در این صحیحۀ، یعنی هم از نظر تئوری خوب بفهمد و هم در عمل خوب اداره کند؛ هر دو جنبه، معتبر است. اگر کسی نتواند اداره کند، مسلماً او ولایت ندارد. کسی که فقط اعلم به فقه باشد، براساس روایات، ولایت ندارد. ولایت مال کسی است که هم فقیه باشد و هم مدیریت داشته باشد.»^۳

«فتاوا و نظرات فقهی فقها نیز نشان دهنده آن است که آنان در احاطه امور اجتماعی به فقیه، به 'ابصربودن' او هم تأکید داشته‌اند و چون چنین امتیازی را در او سراغ داشته و در شناخت مصلحت

۱. نک: مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ص ۶۴۶.

۲. نک: مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ص ۱۲۵۱.

۳. نک: مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ص ۱۲۵۵ و ۱۲۸۵.

جامعه و آگاهی به امور اجتماعی، هوشیارترش می‌دیدند، مسئولیت‌های اجتماعی را متوجه او می‌دانستند؛ مثلاً اگر فقیه را در عصر غیبت، شایسته جمع‌آوری و به مصرف‌رساندن زکات دانسته‌اند، به این دلیل استناد کرده‌اند که او به موارد صرف آن، ابصر (بیناتر و آگاه‌تر) است؛ یعنی چون نیازهای جامعه را بهتر می‌شناسد، به شکل بهتر و مفیدتری از این بودجه عمومی استفاده کرده و آن را در بهترین موارد و لازم‌ترین امور، هزینه می‌کند.^۱

روشن است که این تعلیل، در لیاقت و شایستگی فقیه برای دراختیارداشتن بودجه عمومی بیت‌المال، بر این فرض بنا نهاده شده است که فقیه از دیگران ابصر (بیناتر) است و به مصالح جامعه، آگاهی بیشتری دارد. براساس چنین تعلیل و تحلیلی، برای آنکه فقیه، در کلیه امور اجتماعی، دخالت و حضور داشته باشد؛ ضرورتاً باید از این شرط، بهره بیشتری برده و در ابعاد وسیع‌تری ابصر (بیناتر) باشد؛ زیرا نمی‌توان ادعا کرد که برای دخالت در به مصرف‌رساندن اموال بیت‌المال، ابصر بودن شرط است؛ ولی برای

۱. محقق حلی رحمته‌الله: «...دفعت إلى الفقيه المأمون من الإمامية فإنه أبصر بمواقعها...»؛ [واجب است زکات] به فقیه امامیه (شیعه) پرداخت شود که امانت‌دار است؛ به‌خاطر اینکه او به مکان‌های استفاده آن بیناتر است. «...»
 شیخ مفید رحمته‌الله: «وَجَبَ حَمْلُهَا إِلَى الْفُقَهَاءِ الْمَأْمُونِينَ مِنْ أَهْلِ وَلائِيهِ لِأَنَّ الْفَقِيهَةَ أَعْرَفَ بِمَوْضِعِهَا...»؛ [واجب است زکات] به فقهای امانت‌دار اهل ولایت (فقهای شیعه) پرداخت شود؛ چون فقیه به مواضع مصرف آن آگاه‌تر است. «...»
 قاضی‌بن‌براج نیز می‌گوید: «...كان عليه حملها الى فقهاء الشيعة ليضعها في مواضعها لأنهم أعرَفَ بذلك...»؛ [بر مکلف واجب است که زکات را] به فقهای شیعه بپردازد تا [آن‌ها] آن را در مواضع خودش استفاده کنند؛ چون فقها به آن مواضع آگاه‌ترند. «...»

فرماندهی جنگ یا اعلام صلح یا عفو مجرمان و... ابصر بودن به مصلحت جامعه نیاز نیست. از این رو، در این گونه موارد، براساس چنین بنیایی، اگر بینش اجتماعی فقیه، برتر از دیگران نبوده و مسائل جامعه را بهتر درک نکند، ملاکی برای تصدی و دخالت او وجود نخواهد داشت.^۱ حضرت امام خمینی علیه السلام نیز بصیرت سیاسی و شناخت اوضاع سیاست جهانی را یکی از عناصر دخیل در اجتهاد در شرایط امروز دانسته و نوشته‌اند: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم! آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که درخور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبّر باشد.

۱. سیداحمد خونساری: «يجب دفع الزكاة إلى الامام علیه السلام إذا طلبها و يقبل قول المالك لو ادعى الاخراج و لو بادر المالك بإخراجها أجزأته و يستحب دفعها إلى الامام علیه السلام و مع فقده إلى الفقيه المأمون من الامامية لأنه أبصر بمواقفها.»

۲. نک: محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، ص ۳۲۵ و ۳۲۸.

حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است؛ فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.^۱

صلاحیت علمی؛ شرط لازم، نه کافی

شهید آیت‌الله مرتضی مطهری رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید: «در رهبری جامعه اسلامی، آگاهی عمیق به قوانین شریعت، یک شرط بنیادین شمرده می‌شود؛ ولی این به معنای نادیده‌انگاشتن یا کم‌اهمیت تلقی کردن شرایط لازم دیگر نیست. متأسفانه براساس یک بینش سطحی، فقاقت و ولایت، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر تصور می‌شوند؛ در نتیجه، هر که از نظر علمی، به مرتبه اجتهاد و فقاقت برسد، به‌عنوان ولی امر مسلمانان و زمامدار جامعه می‌تواند مطرح باشد.

این پندار از آنجا ناشی می‌شود که از یک سو، از جایگاه و نقش رهبری اجتماعی غفلت می‌شود و از سوی دیگر، به متون اسلامی که با ظرافت و تیزبینی، شرایط رهبری را تبیین کرده است، اعتنا نمی‌شود. این دو عامل، خود زمینه‌ساز بروز یک سلسله مشکلات اجتماعی در سطح رهبری جامعه و نیز پویایی و خلاقیت نیروهای اسلامی می‌شود.

مطلبی که مسخره است و از بی‌خبری مردم،

حکایت می‌کند، این است که هرکه مدتی فقه و اصول خواند و اطلاعات محدودی در همین زمینه کسب کرد و رساله‌ای نوشت، فوراً مریدهایش می‌نویسند: 'رهبر عالی‌قدر مذهب تشیع! به همین دلیل، مسئله 'مرجع، به جای رهبر'، یکی از مشکلات اساسی جهان شیعه است. نیروهای شیعه را همین نقطه جمود، جامد کرده است که جامعه ما مراجعی را که حداکثر صلاح آن‌ها، صلاحیت در ابلاغ فقه است، به جای رهبر می‌گیرند...'.^۱

صلاحیت علمی معتبر در اداره جامعه؛ در بیان فقهای بزرگ شیعه

... هرچند این فکر عامیانه «کافی دانستن فقاقت برای رهبری»، در دوره‌های اخیر، رواج و اعتبار داشته است، ولی از نظر فقه شیعه، در طول تاریخ خود، این برداشت، هیچ‌گونه پشتوانه علمی نداشته و پذیرفته و تأیید نشده است.

شیخ مفید رحمته‌الله علیه، فقیه بزرگ قرن چهارم که در رتبه نخست فقیهان و متکلمان شیعه قرار دارد، ولایت را شایسته فقیه‌ای از مذهب حق می‌داند که رأی، عقل و فضل داشته باشد. او در صورت اجتماع این کمالات، فقیه را عهده‌دار مسئولیت‌های امام می‌داند و می‌نویسد: «کان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوی الرؤی و العقل و الفضل أن یتولوا ما تولاه السلطان...».^۲

۱. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲. بغدادی، المقتنه، ص ۶۷۵ و ۶۷۶: «فقهای که عادل اند و عقل و فضل و نظری



روشن است که شیخ مفید رحمته الله علیه در اینجا نمی‌خواهد از عقل در برابر جنون، به‌عنوان یکی از شرایط عامه تکلیف نام برد؛ چراکه از شرایط دیگر تکلیف، مانند بلوغ هم نام نبرده است. مقصود وی از شرط عقل، این است که رهبر جامعه باید از عقل و تدبیر لازم برای اداره جامعه برخوردار بوده و از چنان هوش سرشاری بهره‌مند باشد که توان حل معضلات و گشودن گره‌های کور را داشته باشد و در برابر حيله‌ها و تزویرها مغلوب نشود.

ابوالصلاح حلبی (فقیه نامدار قرن پنجم) و ابن‌ادریس حلی (فقیه مشهور قرن ششم) با توضیح و تفصیل بیشتر، شرایط کامل‌تری را برای حاکم اسلامی برشمرده و پس از نام‌بردن از علم، قدرت، عقل، رأی، حلم، بصیرت، ورع و زهد، در ضرورت وجود هریک و بیان فلسفه آن‌ها، به استدلال پرداخته‌اند: «شروط النائب عن الامام فی الحكم من شيعته و هی: العلم بالحق فی الحكم المردود الیه و التمكن من امضائه علی وجهه و اجتماع العقل و الرأى و سعة الحلم و البصيرة بالوضع و ظهور العدالة و الورع و التدین بالحکم و القوة علی القيام به و وضعه مواضعه.»^۱

در عصر حاضر نیز که حضرت امام خمینی ره، به تبیین و ارائه گسترده مسئله ولایت فقیه

صائب دارند، باید اموری را که یک سلطان به‌عهده دارد، برعهده بگیرند. ۱. الکافی فی الفقه، ص ۴۲۱؛ ابن‌ادریس، سرائر، ج ۳، ص ۵۳۷ تا ۵۳۹؛ «شرط‌های نایب امام در حاکمیت بر شیعه عبارت‌اند از: علم به حق در احکام (فقاہت)، توانایی بر امضای حکم بر وجه صحیح، اجتماع عقل، رأی و حزم (دوراندیشی)، تحصیل [علم]، خویشتن‌داری، بصیرت در مواجهه با گزاره‌ها، تواتر در شایستگی افتاء و قیام و عمل به آن‌ها، ظهور عدالت و تدبیر به احکام، قدرت بر انجام و اجرای احکام و گذاردن حکم در جاهای شایسته.»

پرداختند، بارها به ضرورت وجود این گونه شرایط تصریح فرمودند. ایشان در سلسله مباحث فقهی خود، در این باره نوشته‌اند: «زمامدار حکومت اسلامی، باید از دو ویژگی اساسی برخوردار باشد: یکی علم به قانون و دیگری عدالت؛ البته مسئله کفایت داشتن رهبری نیز جزئی از علم، به مفهوم وسیعش را تشکیل می‌دهد و تردیدی نیست که در حاکم لازم است و از دید دیگر، کفایت را شرط سوّم، از شرایط اساسی حاکم می‌توان به حساب آورد.»^۱

حضرت امام خمینی ره، در جای دیگری به صورت روشن‌تر فرموده‌اند: «اگر یک فرد، اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد؛ ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی، در زمینه اجتماعی و سیاسی، فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام امور جامعه را به دست گیرد.»^۲

نمی‌توان نادیده گرفت که چه بسا ناآگاهی یا غفلت از این شرط، مسئله رهبری در جامعه اسلامی را با ابهاماتی توأم ساخته است و قبول رهبری سیاسی اجتماعی فقیه را برای عده‌ای دشوار می‌کند. آنان به خیال اینکه فقه، برای رهبری جامعه و اداره اجتماع شرط کافی است و فقاقت، جایگزین همه صفات لازم برای

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۵.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۷.

اداره دولت می‌شود و با بودن آن، به هیچ شرط دیگری در مدیریت اجتماع و اقتصاد و سیاست، نیاز نیست؛ موضوع «رهبری فقیه» را غیرمعمول قلمداد کرده‌اند.

آری، اگر در رهبری جامعه، به شرط فقاقت اکتفا شود و فقیه بودن برای اداره کشور کافی باشد، این اشکال وارد است که: «اداره اجتماع، از عهده کسی ساخته است که بینشی فراتر از عامه مردم داشته و از بصیرتی قوی برخوردار باشد؛ و [حال] فقیهی که در محدوده استنباط احکام فقهی، اهل نظر و تشخیص و تخصص است، چگونه می‌تواند به مسائل اداره جامعه و تنظیم سیاست‌های دفاعی و اقتصادی بپردازد؟! از این رو، سپردن چنین اموری به فقیه، از آن جهت که به کار فقاقت و استنباط مشغول است، غیرمعمول و بی‌مفهوم است.»^۱

سیره عملی علمای شیعه نیز در انتخاب زعیم حوزه و پیشوای شیعیان، بر در نظر گرفتن قدرت فکری و بینش سیاسی و بصیرت اجتماعی بوده است و در انتخاب برترین چهره مذهبی خویش که الگو و مقتدای شیعه شمرده می‌شده است، تنها به ملاک اعلمیّت در فقه و توانا تر بودن در استنباط و اجتهاد، اکتفا نمی‌کرده‌اند.

با ارتحال شیخ انصاری رحمته‌الله علیه، همه بزرگان حوزه علمیه نجف، در مراجعه به مرحوم نجم‌آبادی و زعامت او اتفاق نظر داشتند؛ زیرا او را در فقه و ورع،

۱. محقق اصفهانی، حاشیه مکاسب، ج ۲، ص ۳۹۰ و ۳۹۱: «مضافاً إلى أن بعض تلك الأمور التي لا بد فيها من الرئيس...»

سرآمد اقران آن دوران می دانستند؛^۱ ولی آیت الله نجم آبادی رحمته الله علیه در پاسخ میرزای شیرازی رحمته الله علیه که او را برای زعامت دینی معرفی کرد، فرمود: «به خدا سوگند! این کار برای من حرام است و نتیجه ورود من بدان، جز افساد، چیز دیگری نیست. زعامت دینی، نیازمند فردی جامع الشرایط، عاقل، سیاست مدار، آشنا به امور و جریانات و کامل النفس است.»^۲

چون در میان شاگردان شیخ انصاری رحمته الله علیه، میرزای شیرازی رحمته الله علیه، علاوه بر مقام والای فقهتی، به چنین امتیازات و ویژگی هایی شناخته شده بود، اکابر حوزه، او را برای چنین مقام بلندی برگزیدند.

این جریان، نشان می دهد که حتی در انتخاب مرجع تقلید هم، عالمان وارسته و مهذب، به عقل، سیاست، آشنایی به مسائل و... به عنوان شرایط اصلی و مهم، توجه داشته اند و مسیر مرجعیت، تنها بر محور علمیت فقهی و بدون توجه به صفات لازم دیگر، تعیین نمی شده و غور بیشتر در مسائل فقهی، احاطه افزون بر فتاوای فقه های پیشین و دقت نظر بیشتر در فهم کتاب و سنت، به عنوان یگانه ملاک، به حساب نمی آمده است.

پس از وفات میرزا حسن شیرازی رحمته الله علیه (پیشوای قهرمان نهضت تنباکو) نیز، آیت الله سید محمد فشارکی رحمته الله علیه، به عنوان فقیه ممتاز شناخته می شد؛ ولی از قبول زعامت و ریاست، سر باز زد و

۱. آقابزرگ تهرانی، الکرام البرره، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. نک: آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ذیل عنوان میرزای شیرازی، ص ۳۸.

فرمود: «من شایسته این کار نیستم؛ زیرا ریاست دینی و مرجعیت اسلامی، به غیر از علم فقه، امور دیگری نیز لازم دارد؛ از قبیل اطلاع از مسائل سیاسی و شناختن موضع‌گیری‌های درست در هر کار»^۱

آیت‌الله فشارکی رحمته‌الله علیه، بدین وسیله، راه را برای زعامت پرچمدار بزرگ فقاقت و سیاست، میرزا محمد تقی شیرازی رحمته‌الله علیه، رهبر جهاد ملت عراق علیه انگلیس، باز کرد.^۲

۲.۱. عدالت و تقوی

رهبر عظم انقلاب مدظله: ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه... در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه معنوی است. ضابطه عبارت است از علم و تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛^۳

۱. نک: عباس قمی، فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۵۹۴.

۲. نک: محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، ص ۳۲۸ و ۳۳۵.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲ مهر ۸۸: در آیه ۳۹ سوره مبارکه احزاب: ﴿الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾؛ (کسانی که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز او نمی‌ترسند، خدا برای حساب‌کردن اعمالشان کافی است.) معلوم می‌شود که شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین نبود خشیت است که: ﴿وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ می‌گویی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود، خوب، ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (نساء، ۶)؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای قضاوت‌های مردم و داوری‌های گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال، تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آن وقت [براساس آیه ۲۹ سوره مبارکه انفال،] فرقانی هم که خدای متعال گفته است، پیدا نخواهد شد: ﴿إِنَّ تَقْوَا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾؛ (اگر از خدا بترسید، خداوند قوه تشخیص حق از باطل را روزی‌تان می‌کند.) این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئله خشیت از مال و

درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین می‌کند؛ این‌ها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام.^۱

رهبر معظم انقلاب مدظله: در دَوْران امر بین «انسان فاسق، فاجر، لایبالی، تابع هوای نفس، وابسته به قدرت‌های غافل از سعادت و صلاح و فلاح انسان»، یک‌چنین انسانی یا یک انسان [که] «عادل، پرهیزکار، پارسای مسلط بر هوای نفس، تسلیم امر خدا و مطیع فرمان الهی است و دلسوز برای احکام اسلامی» است؛ کدام مقدم‌اند؟ طبیعی است که این دومی مقدم است.^۲

رهبر معظم انقلاب مدظله: امام و پیشوا که تعبیر دقیق و کاملی از حاکم اسلامی است، باید حتماً عالم به کتاب‌الله باشد؛ یعنی فقیه در دین باشد و حتماً باید عادل باشد و تابع هوای نفس نباشد؛ زیرا خدای متعال، هم به پیغمبرش حضرت داود علیه السلام و هم به همه پیغمبرانش علیهم السلام فرمود و تأکید کرد که: ﴿وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۳؛

→ جان و حرف مردم و آبرو و زرمه‌ها و حرف‌ها و حدیث‌ها و تهمت‌ها و این‌ها، خیلی مهم است... ملاحظه حرف مردم، ملاحظه این تهمتی که خواهند زد، ملاحظه چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد: ﴿وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (احزاب، ۳۷). به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی و این‌ها به آن بزرگوار را که واقعاً چیز عجیبی بود، به وجود آورد و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه هیچ چیزی را نمی‌کرد.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه الله، ۱۴ خرداد ۸۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۶ بهمن ۶۶.

۳. ص، ۲۶: «و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف کند.»

زیرا اگر پیروی از هوس‌ها و هواها بشود، گمراهی و انحراف از راه خدا حتمی است و این مایه اصلی انحراف جوامع بشری است. پس بایستی حاکم اسلامی تحت تأثیر هوای نفس قرار نگیرد و این نمی‌شود مگر اینکه با عدالت، نفسش از اینکه به دنیا رو کند و تحت تأثیر مطامع دنیوی قرار بگیرد، مصون باشد. همه این شرایط در مدارک اسلامی و کتاب و سنت به صورت تفصیلی بیان شده است. این، همان حکومت فقیه و ولایت فقیهی است که ما به عنوان محور و مبنا و قاعده نظام خودمان انتخاب کردیم و اعلام کردیم. حکومت فقیه، یعنی حکومت عالم به کتاب، عالم به علم کتاب، عالم به دین؛ هر فقیهی هم نه؛ آن عالمی که تحت تأثیر هوای نفس باشد، او نمی‌تواند اداره کند.^۱

رهبر معظم انقلاب مدظله: ولایت در اسلام، ناشی از ارزش‌هاست؛ ارزش‌هایی که وجود آن‌ها، هم آن سمت و هم مردم را مصونیت می‌بخشد؛ مثلاً عدالت به معنای خاص، یعنی آن ملکه نفسانی، از جمله شرایط ولایت است. اگر این شرط تأمین شد، ولایت، یک چیز آسیب‌ناپذیر است؛ زیرا به مجرد اینکه کمترین عمل خلافی که خارج از محدوده و خارج از اوامر و نواهی اسلامی است، از طرف آن ولی یا والی تحقق پیدا کرد، شرط عدالت سلب می‌شود. کوچک‌ترین ظلم و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی پیرامون حکومت اسلامی، ۱۰ بهمن ۶۴.

کوچک‌ترین کج‌رفتاری که خلاف شرع باشد، عدالت را سلب می‌کند. هر تبعیضی، هر عمل خلاف و گناه و ترک وظیفه‌ای، عدالت را از والی سلب می‌کند. وقتی هم که عدالت سلب شد، او از آن منصب منعزل می‌شود.^۱

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: ... رهبری معنوی، تعهد معنوی دارد و خبرگان و مردم از او توقع دارند که حتی یک گناه نکند. اگر یک گناه کرد، بدون اینکه لازم باشد ساقطش کنند، ساقط شده‌است: حرفش نه دربارهٔ خودش حجّت است، نه دربارهٔ مردم.^۲

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: به‌عنوان اجراکنندهٔ این احکام در جامعه، آن کسی از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی باشد: ... خصوصیت دوّم این [است] که این انسان آگاه به معارف الهی و فقه الهی، دارای قدرتی باشد که بتواند خود را از گناه، از خطای عمدی، از انحراف عمدی مصون بدارد؛ یعنی همان چیزی که در عرف فرهنگ اسلامی به آن عدالت گفته می‌شود. عدالت، آن ملکه‌ای است که آن حالت نفسانی و روحی است که در هر انسانی باشد، او را از گناه، از خطا و انحراف بازمی‌دارد؛ البته اشتباه برای همه متصور است؛ اما عمدتاً گناه‌کردن برای کسی که

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام

جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۰ تیر ۷۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری

اسلامی ایران، ۱۹ تیر ۷۹.

داری ملکه عدالت است، هرگز متصور نیست.^۱

رهبر معظم انقلاب مدظله: ما مسلمین باید ولایت را تجربه کنیم. در طول قرن‌های متمادی نگذاشتند! چه کسانی نگذاشتند؟ همان کسانی که حکومت به سبک ولایت، آن‌ها را از مسند قدرت و حکومت کنار می‌زند؛ و الا به نفع مردم است. کدام کشورها هستند که اگر در رأس حاکمیتشان یک انسان پرهیزکارِ پارسای مؤمن مراعات‌کننده اوامر و نواهی الهی و عامل به صالحات و حسنات باشد، برای آن‌ها بهتر نباشد از اینکه فرد می‌گسار شهوت‌ران پول‌پرست دنیاپرستی بر سر کار باشد؟ هر ملت و هر مذهبی که می‌خواهند، داشته باشند.^۲

رهبر معظم انقلاب مدظله: اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه مردم، نمی‌تواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند؛ یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه مدیریت و دستگاه اداره‌کننده در یک جامعه، این قدر فوق‌العاده است. این است

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه،

۳۰ اردیبهشت ۶۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام

جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۰ تیر ۷۰.

که ما روی مسئله غدیر، این قدر تکیه می‌کنیم.^۱ «مهم‌ترین صفتی که باید حاکم اسلامی، بعد از رشد سیاسی دارا باشد، صفت عدالت و پاکی و پیراستگی از گناه است. حاکم اگر عدالت نداشته باشد، چگونه می‌تواند مقدرات امت را به دست بگیرد و به تعالیم دینی، عمل و مصالح امت را مراعات نماید؟ زیرا عدالت، یک حالت نفسانی است که انسان را از ارتکاب گناه بازمی‌دارد و از اکتساب معاصی از جمله دروغ، مکر، حيله و بدخواهی منع می‌کند.

شاید روشن‌ترین دلیل بر لزوم این صفت در حاکم، آیه‌ای است که مردم را به مراعات و ملاحظه این صفت در حاکم، به هنگام انتخاب او فرا می‌خواند: ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾^۲ (به آنان که ستم کردند، تمایل نکنید که آتش، دامن‌گیر شما می‌شود و جز خداوند برای شما دوستانی نیست؛ آنگاه یاری نمی‌شوید.)

کدام تمایل به ستمگر، بزرگ‌تر از مسلط کردن حاکم فاسق و پذیرش ولایت او و سپردن مقدرات مردم به دست اوست؟^۳

«فقیه جامع‌الشرایط، کسی است که علاوه بر جناح عقل نظری، در جناح عقل عملی نیز به مقدار ممکن، کامل باشد؛ یعنی علاوه بر اینکه لازم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰ تیر ۶۹.

۲. هود، ۱۱۳.

۳. نک: جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۲۳۲.

است علم دین را درست بفهمد، باید آن علم را در خودش و محدودهٔ حیاتش و در جامعهٔ اسلامی به درستی اجرا کند؛ لازم است همهٔ وظایف دینی خود را انجام دهد و آنچه از دین باید به مردم ابلاغ کند، ابلاغ کرده و چیزی را کتمان نکند. فقیه عادل، باید به میل و هوس کاری نکند؛ مطیع هواهای نفسانی نشود و گناهی از او سر نزنند؛ نه واجبی را ترک کند و نه حرامی را مرتکب شود.

شخصی که مطیع هوس است، در درون جاننش بتکده‌ای دارد و در نهادش، بت پرستی رسوخ کرده و درواقع، هوایش را معبود و اله خود قرار داده است و همان را می‌پرستد: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾^۱. چنین شخصی، هیچ‌گاه صلاحیت ولایت و هدایت مسلمین را ندارد و مشمول خطاب ابراهیم خلیل علیه السلام است که فرمودند: ﴿أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^۲؛ (اف بر شما و بر هر آنچه غیر خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید [و عقل ندارید]؟!؛) این بیان عتاب‌آمیز، تنها شامل بت پرستان بتکده‌های صوری نیست؛ بلکه بتکده‌های درونی هواپرستان را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین، [یکی از] ویژگی [های] فقیه جامع‌الشرایط، ترک هوا و هوس و تابعیت عملی محض در برابر احکام و دستوره‌های دین است. فقیه حاکم، اگر فتوا می‌دهد، باید خود نیز به آن عمل کند و اگر حکم قضایی صادر می‌کند، خود

۱. جائیه، ۲۳: «آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده است؟!»

۲. انبیاء، ۶۷.

نیز آن را بپذیرد و اگر حکم ولایی و حکومتی صادر و انشاء می‌کند، خودش هم به آن گردن نهد و نقضش نکند.»^۱

«دلیل ضرورت عدالت در ولایت فقیه عبارت است از اینکه مؤسس دین مقدس اسلام (خدا و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هرگز رضایت نمی‌دهند که اختیار مسلمین به دست کسی داده شود که عملاً با اسلام مخالفت می‌کند و اعتنایی به احکام آن ندارد؛ زیرا فسق و بی‌عدالتی موجب دوری از خدا و سقوط در انظار جامعه است؛ بنابراین شرط عدالت در رهبر الهی، امری ضروری و عقلی شناخته می‌شود و بر همین پایه و اساس، اما در سطح بالاتر، به ضروری بودن عصمت در امام قایل شده‌ایم.»^۲

«فقه‌ها عدالت را چنین تعریف کرده‌اند: مُلْكَةٌ إتيان الواجبات و ترك المحرمات و تعرف بحسن الظاهر الكاشف عنها علماً أو ظناً و تثبت بشهادة العدلين و بالشياع المفيد للعلم؛^۳ یعنی عدالت عبارت است از نیروی باطنی که شخص را وادار کند که به تکالیف واجب عمل کرده و از کارهای حرام، [به‌طور کلی] اجتناب کند.

درباره فقیه‌ی که مقام ولایت دارد و شایسته رهبری است، تنها به مراحل علمی او اکتفا نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر مقام علمی، باید عدالت و تقوا هم داشته باشد؛ حتی برخی از بزرگان، بالاتر

۱. نک: عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، ص ۱۳۸.

۲. برای توضیح بیشتر نک: سیدمحمد مهدی موسوی خلخالی، فقه‌الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ در این کتاب، ادله دیگری نیز در این زمینه بیان شده است.

۳. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۰، مسئله ۲۳.

از عدالت، صفت زهد و اعراض از دنیا را نیز شرط دانسته‌اند.^۱ در این زمینه حدیثی از امام صادق علیه السلام رسیده است که در آن، شرط مرجعیت فقیه را بیان فرموده‌اند که یا به شرح و توضیح صفت عدالت بازمی‌گردد یا اینکه فوق عدالت، صفات عالی‌تری را شرط دانسته‌اند.

مرحوم طبرسی در الاحتجاج، ذیل آیه مبارکه: ﴿قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾^۲ از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند که آن بزرگوار علیه السلام، پس از تقسیم فقها به دو قسم، فرمودند: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ...»^۳ (فقهایی که [از گناه] خودداری و دینشان را حفظ کرده و با هوای نفس مخالفت و امر مولایشان را اطاعت می‌کنند، عموم مردم می‌توانند از ایشان پیروی کنند و این‌ها بعضی از فقهای شیعه هستند، نه همه آن‌ها).

از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که مقام رهبری مخصوص آن فقیهی است که خود را ساخته باشد؛ به گونه‌ای که تسلط بر نفس داشته و از گناه به طور کلی دوری کرده و تحت فرمان خدا و نگهبان دین باشد.

۱. مانند علامه طباطبائی رحمته الله علیه؛ همچنین سید محمد کاظم طباطبائی یزدی رحمته الله علیه در العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۰۹، مسئله ۲۲ و حواشی آن.
 ۲. بقره، ۷۹: «پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند؛ سپس می‌گویند: این از طرف خداست.»
 ۳. کتاب الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

بدیهی است که مقام رهبری، مقامی اجتماعی سیاسی است؛ بنابراین، منظور از حفظ دین که در این حدیث، یکی از شروط رهبری فقیه ذکر شده است، حفظ آن در سطح جامعه است، نه تنها در شخص فقیه؛ زیرا فقیه، رهبر و عهده‌دار و نگهبان دین عموم جامعه است و وظیفه او، وظیفه فردی نیست؛ بلکه وظیفه‌ای اجتماعی است.

براساس این شروط، فقیه رهبر، حتماً می‌بایست از نظر سیاسی و اجتماعی، آگاه به وضع زمان و از نظر قدرت فکری و نیروی تصمیم‌گیری و اقدام به کارهای عمومی، دارای توانایی و قدرت کافی در حفظ کشور اسلامی باشد تا سستی و ترس بیجا به او راه نیابد و تحت تأثیر دیگران قرار نگیرد؛ یعنی همچون یک زمامدار، در برابر کشور خود، مسئول و متعهد و دارای اختیارات وسیع و حاکم مبسوط‌الید باشد.^۱

«وقتی می‌گوییم این فقیه، ولایتش در خط ولایت الله است؛ یعنی در مقابل حکم خدا [به اندازه] یک مو، تعصّب ندارد و در مقابل آنچه خدا می‌خواهد، هیچ تعلّقی به خود ندارد؛ درباره این فقیه، ولایت تضمین می‌شود.

[اینکه امام صادق علیه السلام] می‌فرماید: 'فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ'؛^۲ از فقها هرکدامشان

۱. نک: سیدمحمد مهدی موسوی خلخالی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ص ۲۲۴ تا ۲۲۶.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

که صائِن نفس خود بودند، یعنی نفسشان بر آن‌ها استیلا نداشت، هیچ تعلّقی، در مقابل تعلّقاتشان و توجّه‌شان به خدا قرار نگرفت و خودشان را در کنترل کامل داشتند؛ 'صَائِنًا لِنَفْسِهِ'؛ یعنی توجّهات نفسانی، جمیع آرزوها، تمام روابطی که با انسان‌ها دارند، تحت کنترل شدیدشان است؛ 'حَافِظًا لِدِينِهِ'؛ دقیقاً در حفاظت دین خودشان غفلت نمی‌کردند، نگهبان دین خودشان بودند؛ 'مُخَالِفًا عَلَى هَوَاةٍ'؛ به آنچه هوای آن‌ها و هوس آن‌ها و تمایل آن‌ها بود، مخالف بودند و درست رودرروی هوای خودشان می‌ایستادند؛ 'مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ'؛ مولای خودش را دقیقاً اطاعت می‌کرد که خدا مولای اوست، رسول مولای اوست و امام او مولای اوست و هر سه یک ولایت هستند؛ ولایت رسول از ولایت الهی است، ولایت امام از ولایت الهی است... یعنی این فردی بود که نسبت به مولای خودش دقیقاً مطیع بود: اطاعت این را که می‌کنی، اطاعت مولایش را کرده‌ای. چون او مطیع مولاست، تو را به دست کسی می‌سپرد که او خودش را به دست او سپرده [است]. تا فردی مطیع مولایش نباشد، به تو اطاعت از او را تجویز نمی‌کنند: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱ می‌گوید مطیع آن باید باشی که مطیع خداست؛ تا اطاعت تو، برگردد به اطاعت خدا و در خط اطاعت او باشد.^۲

۱. نساء، ۵۹.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، ولایت فقیه، ص ۲۸ و ۲۹.

۳.۱. درایت و تدبیر و کارآمدی

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: ... برای زمامداری بر امور مسلمین، شرط دیگر، یعنی دارای کفایت و کارایی لازم برای اداره، این هم یک شرط قهری و عقلی است. کسی که کفایت اداره ندارد، این را نمی‌شود زمامدار امور هیچ‌کاری کرد، حتی کار کوچک؛ مگر آنکه کفایت آن کار را داشته باشد؛ چه برسد به اداره امور مسلمین؛ این هم یک شرط قهری است.^۱

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: ... آفت دیگر سیاست این است که انسان‌های کوتاه‌بین، کودک‌منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دست‌های پُر قدرت خارج شود و به دست انسان‌های بی‌کفایت بیفتد.

راه کار چیست؟ بهترین شکل و راه کار این است که در رأس سیاست و اداره امور جوامع، کسانی قرار گیرند که دین‌داری و سیاست‌گذاری آن‌ها، این دو آفت را نداشته باشد؛ یعنی کسانی اداره امور جوامع را برعهده گیرند که دین‌دار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آن‌ها بلند باشد، از انحراف و خطا و التقاط و کج‌بینی در دین مصون باشند، از تحجّر و جمود و متوقف‌ماندن در فهم دین برکنار باشند، دین را ملعبه دست زندگی خود نکنند، از لحاظ سیاست، انسان‌های باکفایت و باتدبیر و شجاعی باشند و سیاست را

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۶ بهمن ۶۶.

از معنویت و اخلاق و فضیلت جدا نکنند. چنین کسانی اگر زمام امور یک جامعه را به دست گرفتند، آن گاه جامعه از بیشترین خطرانی که ممکن است برای آن پیش آید، محفوظ خواهد ماند. اوج چنین وضعیتی کجاست؟ آنجاست که یک انسان معصوم از خطا و اشتباه، در رأس قدرت سیاسی و دینی قرار گیرد. امام یعنی این^۱.

۵۱

رهبر

رهبر معظم انقلاب مدظله: مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه شعب و شاخه‌هایی که از آن متشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسئولان

۱. شرایط ولی منصوب به شرایط (ولی فقیه)

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۲ اسفند ۸۰.

در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هریک از کسانی که متصدی این مسئولیت‌ها از صدر تا ساقه هستند، بتوانند آنچه را که برعهده آن‌هاست، به قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق‌العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ اما بایست انتظار تلاش موفق را که در آن نشانه‌های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم.^۱

رهبر معظم انقلاب^{مدظله}: آن دست ملکوتی و الهی که اصل ولایت فقیه را در قانون اساسی گذاشت، فهمید چه کار می‌کند. آن کسی که در این مسند هست، اگر همین دفاع از مصالح انقلاب و مصالح کشور و مصالح عالیۀ اسلام و مصالح مردم و این روحیه و این عمل را نداشته باشد، شرایط از او سلب شده است. آن وقت صلاحیت نخواهد داشت؛ لذاست که شما می‌بینید با همین اصل مخالف‌اند؛ چون می‌دانند که مسئله، مسئله اشخاص نیست. زیدی با این نام، این مسئولیت را به عهده گرفته است؛ البته با او دشمن‌اند؛ اما می‌دانند که مسئله با او تمام نمی‌شود. او هم نباشد، یکی دیگر باشد، باز هم قضیه همین است؛ لذا با اصلش مخالف‌اند. بدانند تا وقتی که این اصل نورانی در قانون اساسی هست و این ملت از بُن دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های این‌ها ممکن

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۳۱ شهریور ۸۳.

است برای مردم در دسر درست کند؛ اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل سازد.^۱

«هر انسان، با ذهن عرفی خود، از اطلاعات ادله ولایت، چه ولایت فقیه و چه ولایت پدر بر کودکان خردسال و چه غیر آن، درمی یابد که هدف از ولایت، آن است که شخص 'ولی'، کمبودها و نواقص شخص تحت ولایت خود را در چهارچوب حفظ مصالح او برطرف کند. این وظیفه، تنها در صورتی انجام می پذیرد که «ولی» در دایره فعالیت و ولایت خود، از کاردانی و شایستگی برخوردار باشد؛ بنابراین اگر پدری لایق رسیدگی به امور فرزندان خردسال خویش نباشد، ولایت او نسبت به آنها فعلیت نمی یابد و هرکس تصور کند که این پدر نسبت به فرزندان خود دارای ولایت است، درحقیقت چنین پنداشته است که پدر برای زیان رساندن به کودکان نارس خود، ولایت و قدرت یافته است؛ بدون آنکه کمترین توجهی به مصالح آنان داشته باشد.

این مسئله، عیناً در مورد ولایت بر امور مسلمانان نیز صدق می کند؛ یعنی اگر فقیهی از کاردانی لازم برای اجرای این رسالت سنگین و گسترده بی بهره است، نمی تواند عهده دار چنین مسئولیتی شود. بنابراین ضرورت دارد که در ثبوت ولایت برای فقیه، به کاردانی او توجه کنیم و عناصر مؤثر در این زمینه، از قبیل آگاهی، نکته سنجی، تیزهوشی، زیرکی، قاطعیت در تصمیم گیری و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۳ اردیبهشت ۷۹.

امثال آن را در وی بازشناسیم.^۱ «در اصل یکصدونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌های رهبر، چنین بیان شده است:

شرایط و صفات رهبری

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛
 ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است؛ بنابراین، علاوه بر اجتهاد مطلق و صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه و همچنین عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، استعداد و توانایی رهبری و کشورداری، شرط ضروری سوم برای فقیه است. فقیه جامع‌الشرایط باید علاوه بر اجتهاد و عدالت مطلق، اولاً بینش درست و صحیحی نسبت به امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج کشور داشته باشد و ترفندهای دشمنان خارج را خوب بشناسد و ثانیاً از هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد؛ زیرا مدیریت، گذشته از تئوری، نیازمند ذوق اداره و هنر تدبیر است. بسیاری از ما اوزان شعر را می‌دانیم که مثلاً فلان شعر باید بر وزن 'مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن' باشد؛ اما دانستن عروض،

۱. سید کاظم حسینی حائری، بنیان حکومت در اسلام، ص ۱۸۱ و ۱۸۲.

هیچ‌گاه کسی را شاعر نمی‌کند. شعرشناسی، غیر از شاعربودن است؛ چراکه انشاء شعر، گذشته از آشنایی به قواعد شعر، نیازمند استعداد های خاصی است. همه ما می‌دانیم که باید کشور را براساس قسط و عدل اداره کرد؛ اما مدیر و مدبّر بودن، غیر از دانش و بینش سیاسی است. هنری است که هرکس، آن را ندارد. شرط اسلام‌شناسی را ممکن است برخی داشته باشند؛ ولی همه آنان شجاعت لازم را مانند شجاعت امام راحل (قدس سره) ندارند. وقتی خبر حکومت نظامی را در یکی از روزهای دهه دوم بهمن ۵۷ به ایشان دادند، امام هراسناک نبودند و فرمودند: 'بیرون بروید و حکومت نظامی را بشکنید!' و آن زمان که خبر تجاوز رژیم عراق و توطئه استکبار بر ضد انقلاب اسلامی را به ایشان رساندند، نترسیدند و شجاعت خود را به دیگران نیز انتقال دادند.

در رژیم فاسد و منحوس پهلوی، در بحبوحه گرفت‌و‌گیرها، بعضی از آقایان، خدمت مراجع و فقهای بزرگ می‌رفتند و با آنان مشورت می‌کردند و خواستار اطلاعیه می‌شدند. من خدمت یکی از بزرگان فقه رفتم، خدا غریق رحمتش کند که بر ما حق بزرگی داشت، در آن اوضاع بحرانی که امام می‌فرمودند: 'وقتی که دین در خطر باشد، تقیه حرام است و برای حفظ دین از هیچ چیزی حتی جان نباید دریغ ورزید'، من دیدم این فقیه‌ی که به علم و دانش او خیلی اعتقاد داشتیم و داریم، بحارالأنوار رحلی مرحوم مجلسی رحمته‌الله‌علیه را جلوی خود گذاشته و بحث تقیه را مطالعه می‌کند. او

به همه آنچه در کتاب و سنت نوشته شده، علم داشت و اگر علم از دیگران نبود، دیگران از او علم نبودند! ادق از دیگران بود؛ ولی هنر کشورداری و تدبیر و مدیریت در او نبود که در پرتو آن اگر به او بگویند ده نفر یا صد نفر کشته شده‌اند، آن خون‌ها را هدر رفته نبیند و بلکه شهادت هزاران نفر را برای حفظ اسلام و زنده کردن دین و حیات انسانی در جامعه ضروری ببیند.

بنابراین، نمی‌توان گفت هر فقیه عادل و صلاحیت رهبری جامعه را دارد؛ بلکه باید گذشته از شرایط علمی، دارای استعداد و توانایی لازم برای اداره امت اسلامی باشد.^۱

«لیاقت، شایستگی، کاردانی و کارایی، شرط اساسی تصدی مقام حکومت و ولایت است. در طول زمان، پیوسته افرادی بی‌کفایت و نالایق مناصب اجتماعی را اشغال کرده و روزگار انسان‌ها را سیاه کرده‌اند. لزوم اهمیت این شرایط، آن‌چنان روشن است که هرگز نیاز به اقامه دلیل ندارد و طبیعت موضوع ولایت و زعامت، خود، این شرط را ایجاب می‌کند؛ هرچند هیچ نوع دلیلی بر آن نباشد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اهمیت این صفت حیاتی در حاکم اشاره کرده و می‌فرمایند: 'لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّجِيمِ'؛^۲

۱. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقهات و عدالت، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷.

فردی، لیاقت و شایستگی امامت را دارد که دارای سه خصلت باشد: ۱. تقوی و پرهیزگاری که او را از نافرمانی خدا باز دارد؛ ۲. بردباری که خشمش را با آن کنترل کند؛ ۳. نیکو حکومت کردن بر افراد زیر فرمانش تا آنجا که نسبت به ایشان مانند پدر مهربان باشد.

از سخنان امام علی علیه السلام استفاده می‌شود که حاکم باید بر اداره امور از دیگران شایسته‌تر بوده و بر ولایت و زعامت از همه قدرتمندتر باشد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ فَإِنْ شَغِبَ شَاغِبٌ اسْتَعْتَبَ فَإِنَّ أَبِي قُوتِلٌ؛ ای مردم! از همه مردم سزاوارتر به حکومت، کسی است که از همه تواناتر و آگاه‌تر به او امر الهی باشد؛ پس اگر آشوبگری به فتنه‌انگیزی بر خیزد، از او خواسته می‌شود که به حق باز گردد و اگر امتناع ورزد، باید کشته شود.

خلاصه یکی از شرایط مهم در حاکم اسلامی، قدرت بر اداره امور افرادی است که بر آنان گمارده شده است و همین کاردانی و لیاقت است که به حاکم و رئیس امکان می‌دهد تا پریشانی امت را اصلاح کند و پراکندگی آنان را جمع نماید و آنان را به مراتب کمال و ترقی رهنمون شود و مسلمانان را از لحاظ ترقی و تمدن در تمام ملت‌ها و امت‌ها [سرآمد] قرار دهد.^۲

«در منطق اسلام، در حاکم، کارایی به تنهایی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲.

۲. نک: حسین جوان آراسته، مبانی حکومت اسلامی، ص ۲۲۹.

کافی نیست؛ بلکه لازم است که دارای بینش سیاسی باشد تا مغلوب دیگران نشود و در اداره امور کشور فریب نخورد تا اینکه بتواند جامعه اسلامی را به بالاترین درجه کمال برساند.

از این جهت، بر حاکم بزرگ اسلامی واجب است، بینش سیاسی و اجتماعی خود را آن چنان بالا ببرد و به حدی برساند که بتواند کشتی جامعه اسلامی را به ساحل نجات رهبری کند [و] در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پایه پای زمان پیش برود.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی بسیار ارزنده در این باره فرمود:

‘الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ؛^۱ کسی که به اوضاع زمان خویش آگاه باشد، مورد هجوم امور ناگهانی و پیش بینی نشده واقع نمی شود.

این همه تأکید و سفارش برای این است که مبدا بر اثر غفلت و بی خبری، ملت اسلامی غافل گیر شوند و در نتیجه بی اطلاعی، دستخوش حوادث ناگوار گردند و احیاناً بدون اینکه متوجه باشند، آلت بی اراده اجرای مقاصد دیگران شوند.

امام صادق علیه السلام درباره کسی که بدون بصیرت کاری را انجام می دهد، چنین می فرماید: ‘الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا؛^۲ کسی که بدون بصیرت و آگاهی کاری را انجام می دهد، بسان کسی است که از بیراهه سیر می کند که هر قدر سریع تر

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷؛ تحف العقول، ص ۳۵۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳.

می‌رود، از مقصد دورتر می‌شود.
تسلیم زعامت و رهبری امت به دست کسی که
نه کارایی و توانایی بر اداره کشور و نه قدرت بر
تحلیل مسائل اجتماعی دارد، مثل این است که
اداره کشور به دست افراد نابالغ سپرده شود؛ معلوم
است چه عواقب نامطلوبی در پی خواهد داشت.^۱

بررسی تطبیقی ویژگی‌های روایی «ولیّ فقیه» با خصوصیات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)؛ در کلام بزرگان

۱. علم و فقاہت

امام خمینی^{رضوان‌الله‌علیه}: باید اشخاصی که هم گوینده هستند، بیایند در دانشگاه و من پیشنهاد می‌کنم که آقا سیدعلی آقا بیایند. خامنه‌ای. شما ممکن است بروید پیش ایشان؛ از قول من بگویید [که] ایشان بیایند به جای آقای مطهری، بسیار خوب است. ایشان، فهیم است؛ می‌تواند صحبت کند، می‌تواند حرف بزند.^۱

امام خمینی^{رضوان‌الله‌علیه}: این جانب که از سال‌ها قبل از انقلاب با جناب عالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط... بحمدالله تاکنون باقی است، جناب عالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری که آشنای به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جدّاً جانب‌داری می‌کنید، می‌دانم.^۲

امام خمینی^{رضوان‌الله‌علیه}: [شما] سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۰۳.

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۳.

در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه انقلاب هستید.^۱

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: این جانب... با اطلاع از مقام و مرتبت متفکر و دانشمند محترم جناب حجت الاسلام آقای سید علی خامنه‌ای (ایده‌الله تعالی)، رأی ملت را تنفیذ نمودم.^۲

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی^{رحمته الله علیه}: «در مورد مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته اشعار می‌دارد که در مقام شامخ علمی و اجتهاد و فقاقت معظم له، جای هیچ‌گونه تردید نیست. این جانب با توجه به سابقه‌اشناایی دیرین با ایشان و اطلاع از مراتب تحصیلی، اذعان به اجتهاد به نحو اطلاق وی دارم؛ علاوه [بر این]، اشاره و بلکه تصریح امام عظیم الشان (قدس سره) در موارد متعدد به صلاحیت و شایستگی رهبری ایشان، دلیل عمده بر مقام اجتهاد معظم له می‌باشد.»^۳

«بنده به عنوان کسی که هم عضو مجلس خبرگان هستم و هم اینکه آشنایی با آیت‌الله خامنه‌ای دارم، عرض می‌کنم که ایشان اهل نظر و اهل اجتهاد هستند. بیست سال پیش، وقتی در مشهد، در مسجد گوهرشاد با ایشان برخورد کردم، آن موقع ایشان از مدرّسین محترم مشهد بودند، پرسیدم: 'چه چیز تدریس می‌کنید؟' فرمودند:

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۱.

۲. تنفیذ حکم مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دوره اول ریاست جمهوری ایشان، ۱۷ مهر ۶۰.

۳. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۷۲.

‘مکاسب’. مکاسب از مهم‌ترین و مشکل‌ترین کتب علمی ماست. به نظر من ایشان یک فقیه و یک مجتهد است.»^۱

در کتاب امام حاضر؛ مدیر ناظر، ص ۱۲۵ به نقل از روزنامه کیهان، در ایام رحلت آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه، یعنی خرداد ۱۳۸۶، از قول حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالقائم شوشتری (دامت برکاته) چنین آمده است: «در زمانی که امام جمعه شاهین‌شهر اصفهان بودم، وجوهات مقلدین مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را همراه یک مورد وجوهات یکی از مقلدین حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه به قم بردم و همگی آن‌ها را تحویل دفتر مقام معظم رهبری دادم. بعد به دلیل آنکه یک مورد از وجوهات آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه را به دفتر ایشان تحویل نداده و به دفتر رهبری داده بودم، مردد بودم که حکم شرعی آن چگونه است؛ به همین علت خدمت ایشان رفتم و جریان را گفتم. آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه با تواضع فرمودند: ‘کار خوبی کردید. ایشان [آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)] ستون خیمه مرجعیت هستند. اگر ایشان نبودند ما هم نبودیم.»

شهید آیت‌الله صدوقی رحمته‌الله‌علیه: «حجت‌الاسلام و المسلمین راشد یزدی (دامت برکاته) فرمودند: در سال ۵۶ به اتفاق آقای صدوقی و تعدادی از

آقایان دیگر، تصمیم گرفتیم برویم به افرادی که در تبعید هستند، سری بزنیم. چون مقام معظم رهبری به ایرانشهر تبعید شده بودند، خدمت ایشان رسیدیم.

به امامت آقای صدوقی، نماز مغرب و عشا را خواندیم. من شنیده بودم که در سمت ایرانشهر، کفش‌های خوبی تولید می‌شود؛ لذا تصمیم گرفتم به بازار بروم و یک جفت کفش بخرم. کارم یک الی دو ساعت طول کشید. به خانه آقای خامنه‌ای تلفن زدم که دیگر آقای صدوقی و آقای خامنه‌ای برای صرف غذا منتظر من نباشند و شام را میل کنند. وقتی برگشتم، دیدم این دو بزرگوار هنوز مشغول بحث هستند. من وارد که شدم، آقای صدوقی به من گفت: 'ماشاءالله، ماشاءالله! این آقای سیدعلی آقا خیلی مُشتشان پر است.'

صبح روز بعد رفتیم چابهار برای زیارت آقای مکارم. در این فاصله، اسم آقای خامنه‌ای از دهان آقای صدوقی نیفتاد؛ از بس مجذوب ایشان شده بود!

بعد از زیارت آقای مکارم، گفتم کنار دریا برویم تا مدتی استراحت کنیم. ایشان گفت: 'من می‌خواهم برگردم پیش آقای خامنه‌ای' و بعد، حدود دوساعتی باهم بحث کردند.

ازلحاظ علمی، آقای خامنه‌ای موردتأیید صددرصد آقای صدوقی بود.

در زمان انقلاب، بین حزب جمهوری اسلامی و امام جمعه بندرعباس اختلافی درگرفت. آقای

صدوقی به من گفتند تا دربارهٔ اختلاف آن‌ها، گزارشی بیاورم. بعد از تهیه و دادن گزارش آن به آقای صدوقی، ایشان پرسیدند: 'کی به تهران می‌روی؟' گفتم: 'فردا.' ایشان پاکتی را به من دادند. پشت پاکت نوشته بود: 'تقدیم به محضر مبارک آیت‌الله آقای خامنه‌ای'.

پسر آقای صدوقی اعتراض کردند که: 'آیا ایشان به مقام آیت‌اللهی رسیده‌اند؟' آقای صدوقی از بالای عینک به پسرش نگاه کرد و گفت: 'بله که آیت‌الله هستند.'^۱

استاد شهید آیت‌الله مطهری رحمته‌الله علیه: «سیدعلی خامنه‌ای از نمونه‌های ارزنده‌ای است که برای آینده موجب امیدواری است و در این مدت کوتاه در مشهد کارهای پرثمری انجام داده که یکی از آن‌ها جمع کردن جوانان و روشن‌فکران حوزه و دانشگاه است.»^۲

آیت‌الله جوادی آملی (دامت برکاته): «اجتهاد و عدالت آیت‌الله، جناب آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای (دامت برکاته) مورد تأیید می‌باشد. لازم است امت اسلامی ایده‌م‌الله در تقویت رهبری معظم‌له، در بذل نفس و نفیس،^۳ در هیچ‌گونه

۱. همایش در سایه‌سار آفتاب، هشتمین دورهٔ اردوی آموزشی تشکیلاتی اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل در مشهد مقدس با موضوع تبیین شخصیت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نک:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811160263>

۲. نک: خاطرات سبز، ص ۷۷: یکی از اسناد ساواک که به ارتباط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با نسل جوان تأکید می‌کند سند شماره ۹/۳۰۰۳ به تاریخ ۸ فروردین ۱۳۵۳ است که می‌نویسد: «مطهری از این‌که نماز جماعت سیدعلی خامنه‌ای در مشهد تعطیل شده، ابراز ناراحتی کرده و گفته است: 'سیدعلی خامنه‌ای از نمونه‌های ...'»

۳. بذل جان و مال.

نثار و ایثار دریغ نفرمایند. لِتَكُونَ كَلِمَةً اللَّهُ هِيَ
الْعُلْيَا وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.»^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی میرزاهاشم آملی رحمته‌الله‌علیه:
«انتخاب شایسته حضرت عالی که فردی دانشمند
و اسلام‌شناس و صاحب درایت هستید، از جانب
مجلس خبرگان، مایه امیدواری و تسکین
است.»^۲

آیت‌الله‌العظمی مظاهری (دامت برکاته): «بعد
از رحلت حضرت امام (قدس سره)، علی‌رغم
تصوّر دشمنان اسلام، انقلاب به واسطه خلوص
آن مرد و نظارت آن بزرگوار روی انقلابش، صادر
شد؛ به خصوص بعد از آنکه شاگرد لایقی از آن
استاد بزرگوار، رهبری را به دست گرفتند و نشان
دادند که بعد از امام می‌توانند به جای ایشان
انقلاب را رهبری کنند و نشان دادند که شاگرد
لایق او هستند: هم در فقه، هم در سیاست، هم
در فصاحت و بلاغت؛ یعنی مقام معظم رهبری،
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ادام‌الله‌ظله)، موجب
افتخار شد برای این انقلاب و نعمت بزرگی بود
برای ما.»^۳

آیت‌الله مشکینی رحمته‌الله‌علیه: «به تصدیق و تأیید
عده زیادی از فقهای خبرگان، علما، مجتهدین
که من از آن اطلاع دارم و خاصه تصدیق حضرت

۱. نک:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8907181550>

۲. به نقل از:

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=86564>

۳. به نقل از:

<http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?TabID=0604&SectionNum=605&ChapterNum=256&ChapterName>

امام علیه السلام که بارها فرموده بودند: ایشان [، مقام معظم رهبری]، شایسته رهبری جامعه هستند، در اجتهاد و فقاہت معظم له، هیچ تردیدی وجود ندارد و ایشان استعداد فهم و قدرت استنباط حکم را از کتاب و سنت داشته و دارند و خدشه در این مسئله، غیر از غرض ورزی چیز دیگری نیست.^۱

«بر همه مسلمین جهان واجب مؤکد شرعی و عقلی است که حضرت مستطاب آیت الله خامنه‌ای را به فقاہت و ولایت امر مسلمین بشناسند که واجد مقام فقاہت، اجتهاد و حائز سایر شرایط ولایت است.»^۲

آیت الله هادی روحانی رحمته اللہ علیہ: «اگر بنا باشد ما به دنبال اعلم باشیم و مرجعیت را با تمام جوانب، هم فقاہت و هم سیاست و هم اجتماع و هم مدیریت بخواهیم در نظر بگیریم، آن گونه که حضرت امام فرمود: 'مرجع باید کسی باشد که به مکان و زمان مسلط باشد'، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) جامع است. دیگری را ما نمی‌یابیم که به این جامعیت باشد و حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، قدرت مدیریت خودش را بر همه مسلمین ثابت کرده و نشان داده است.»^۳

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی
(دامت برکاته):^۴ «آیت الله خامنه‌ای، اضافه بر

۱. نماز جمعہ قم، ۳۰ آبان ۱۳۷۶:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8801080186>

۲. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۷۶.

۳. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۹۹.

۴. رئیس سابق قوه قضائیه.

تسلط بر مبانی اجتهادی که هر فقیه و مجتهدی باید بر آن‌ها مسلط باشد، دارای ویژگی‌های علمی و فقهی خاص خودشان هم هستند که من به یکی دوتا از آن‌ها اشاره می‌کنم: ایشان در مسائل رجالی دارای معلومات بسیار خوبی هستند و در رجال، واقعاً کار کرده‌اند و جزو مجتهدانی هستند که به مسائل رجالی اهمیت می‌دهند. ایشان مسائلی را در رجال قبول کرده‌اند، اشکالات وارد را رفع کرده‌اند و تفوق چشمگیری در مسائل رجالی دارند که این، خود یکی از موجبات علمیت یک فقیه است و اطلاع رجالی ایشان خیلی گسترده و وسیع است. امتیاز دیگر ایشان، فهم سالم و ذوق مستقیمی است که در فهم آیات و روایات دارند. مسئله استظهار و استفاده از ادله لفظی در استنباط، بسیار مهم است؛ بلکه اساس فقه است و معمولاً یکی از اموری که به بعضی از فقها اشکال گرفته‌اند، مخصوصاً فقهایی که کمتر با حوزه‌های عربی سروکار داشتند، این است که بعضی از استظهارات آن‌ها دقیق و درست نیست. من در این مدت دیده‌ام که ایشان بسیار جالب استظهار می‌کنند.

ویژگی دیگر ایشان، نظم منطقی و دقیق ذهنی ایشان است که معمولاً در تدوین و تنقیح بحث‌های پیچیده علمی بسیار مهم و کارساز است.^۱

حجت‌الاسلام و المسلمین راشد یزدی (دامت برکاته): «چهارشنبه شب‌ها، آقا

۱. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، آب، آینه، آفتاب، ص ۹۷.

جلسه‌ای دارند که ده تن از علما جمع می‌شوند: آقایان احمدی گیلانی، خزعلی، بهجتی، امامی‌کاشانی، مؤمنی، شیخ محمد یزدی، سیدجعفر کریمی، آقای شاهرودی و آملی لاریجانی حضور دارند.

گاهی هم ما آنجا می‌رویم. یک بار خیلی غوغا و سروصدا شد: بحث، پیرامون یک مسئله فقهی پیچیده بود. بعد از اتمام جلسه، آقای شاهرودی به من گفت: 'امشب من العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء' را درک کردم؛ یعنی آقا مچ همه را پیچانده بود!'^۲

آیت‌الله مؤمن (دامت برکاته): ^۳ «هنگام رأی‌گیری در مجلس خبرگان برای رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته)، اجتهاد معظم‌له با قیام بینة شرعیة نزد این جانب ثابت بود؛ ولی بعداً به واسطه حضور در جلسات مباحثه فقهی، شخصاً به اجتهاد ایشان پی بردم و اکنون شهادت می‌دهم که معظم‌له مجتهدی عادل و جامع‌الشرايط می‌باشد.»^۴

آیت‌الله حائری شیرازی (دامت برکاته): «آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تمام ویژگی‌ها، یک عالم آگاه به مسائل اسلامی است و از سیاست و درایت خاصی برخوردار است.»^۵ «آیت‌الله خامنه‌ای،

۱. مصباح‌الشریعة، ص ۱۶؛ منیة المرید، ص ۱۴۸ و ۱۶۷؛ مشکاة الأنوار، ص ۳۲۵؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علم، نوری است که خداوند به قلب هر که لیاقت داشته باشد، می‌افکند.»

۲. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۹۹.

۳. نماینده و دبیر مجلس خبرگان رهبری.

۴. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۷۴.

۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی ولی فقیه در سپاه، نسل کوثر، ص ۸۸.

صالح‌ترین فرد برای رهبری هستند.»^۱
آیت‌الله قدیری رحمته‌الله علیه: «به کوری چشم کسانی که راضی به تقدیر الهی نیستند، امروز بزرگ‌ترین مرجع شیعه ایشان هستند و امیدواریم خداوند روزبه‌روز بر عزت ایشان که عزت اسلام و تشیع است، بیفزاید. مرجعیت شأنیه ایشان هم با حجت شرعیه اثبات شده است.»^۲

آیت‌الله امامی کاشانی (دامت برکاته): «رهبر معظم انقلاب، از نظر درک فقهی و اهتمام به احادیث، در سطح بالایی قرار دارند و با برخورداری از ذوق سرشار در رجال و اهتمام به سند احادیث، حقیقتاً در مقام فتوا، یک مفتی به تمام معنا مقتدر و درعین حال محتاط هستند.»^۳

آیت‌الله محمد یزدی (دامت برکاته): «آیت‌الله خامنه‌ای، فقیهی والامقام و مجتهدی عالی‌رتبه هستند که بر علوم مؤثر در استنباط، تسلطی در حد بسیار بالا دارند. ایشان علاوه بر لغت، ادبیات، اصول، حدیث و تفسیر، در رجال و درایه که در استحکام فتوا نقشی بسزا دارد، استاد هستند و در استنباط و ردّ فروع بر اصول و فتوا، مبانی محکمی دارند و در مسائل مستحدثه موردنیاز جامعه اسلامی با اطلاعات وسیع و نظرات دقیق، فتاواوی جالبی صادر کرده‌اند.

همین مزایا و دیگر فضائل علمی و اخلاقی ایشان، ملاک انتخاب فقهای محترم و

۱. روزنامه رسالت، ۳۰ خرداد ۶۸.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ آذر ۷۶.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ آذر ۷۶: نک:

مجتهدشناسان اعضای محترم مجلس خبرگان بوده است.»^۱

آیت الله امینی (دامت برکاته): «حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در فقهت و اجتهاد، به مرتبه‌ای است که برای تصدی مقام ولایت و رهبری، صلاحیت کامل دارد.»^۲

آیت الله موسوی همدانی رحمته الله علیه: «فقهت و اجتهاد معظم له، با تصریح امام راحل ره به لیاقت و شایستگی ایشان برای مقام ولایت امر و انتخاب حضرات خبرگان پس از رحلت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه)، و شهادت و گواهی جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه و جامعه روحانیت مبارز تهران (ایدهم الله)، خصایص و امتیازات و مرجحاتی که در وجود آن شخصیت بزرگ متبلور است، امری است مسلم.»^۳

آیت الله غروی (دامت برکاته): «حضرت آیت الله آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) یگانه تحفه و ذخیره جامعه روحانیت در این زمان می‌باشند و این جانب با کمال افتخار، به مرجعیت دینی ایشان در تمشیت امور مسلمانان جهان معتقد هستم؛ **ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ**»^۴

حاج سیداحمد خمینی رحمته الله علیه: «حضرت امام بارها از جناب عالی به عنوان مجتهدی مسلم و بهترین

۱. علی شیرازی، پرتوی از خورشید، ص ۲۱؛ دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۹۸.

۲. درر الفوائد فی اجوبه القائد، ص ۱۹.

۳. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۹۸.

۴. دفتر تبلیغات اسلامی، مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۱۰۳.

فرد برای رهبری نام بردند. انتخاب شایسته و بسیار خدایندانه حضرت عالی، باعث شادی تمام دوستداران اسلام و انقلاب اسلامی در جهان گردید. حضرت عالی از چهره‌های درخشان انقلاب اسلامی بوده و همیشه مورد تأیید و تکریم امام عزیزمان بوده‌اید.^۱

۲. عدالت و تقوی

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: من آقای خامنه‌ای را بزرگش کردم.^۲

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: ایشان ... به حکم قرآن کریم، «اشدء علی الکفار» و «رحماء بینهم» بوده‌اند.^۳

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس جمهوری متعهد و مبارز در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست هدایت فرمود.^۴

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی، از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید.^۵

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: من به شما خامنه‌ای عزیز تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد، با لباس سربازی

۱. روزنامه رسالت، ۱۶ خرداد ۶۸.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۳۹.

۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۱.

۴. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۷۹.

۵. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۳.

و در پشت جبهه با لباس روحانی به ملت مظلوم خدمت نموده و از خداوند تعالی، سلامت شما را برای، ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.^۱

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: اینان [منافقین] آن قدر از بینش سیاسی بی نصیب‌اند که بی‌درنگ پس از سخنان شما در مجلس و [خطبه‌های نماز] جمعه و پیشگاه ملت، به این جنایت دست زدند و به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد، در گوش مسلمین جهان طنین انداز است.^۲

آیت‌الله شهید عبدالحسین دستغیب^{رحمته‌الله علیه}:

«چیزی که بنده نسبت به این شخص بزرگ [آیت‌الله خامنه‌ای] فهمیده‌ام، این است که فردی است خدایی؛ هواپرست نیست؛ مقام نمی‌خواهد؛ قدرت نمی‌خواهد به دست بگیرد؛ امتحان خودش را پیش از پیروزی و بعد از پیروزی داده است؛ در هر پُستی که بوده، امتحان خودش را داده است. کسی که امام جمعه تهران باشد، آن وقت در جبهه‌ها برود در سنگرها از اسلام دفاع کند! این مرد بزرگ، مقامی برای خودش قائل نیست؛ به‌عین مثل رهبر عظیم‌الشان. امام فرموده: 'به من خدمتگزار بگوئید بهتر است از اینکه رهبر بگوئید.' آقای خامنه‌ای هم این‌جوری است: مقام نمی‌خواهد؛ مقام بر روی او اثر نمی‌گذارد.»^۳

آیت‌الله بهاء‌الدینی^{رحمته‌الله علیه}: «کسی که ما

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۱.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۱، خطاب به آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی).

۳. به نقل از: سیدعلی اصغر دستغیب (دامت برکاته):

دل خوش به او هستیم، آقای خامنه‌ای است.»^۱ «ایشان شخص بزرگواری است... از همان زمان، رهبری را در آقای خامنه‌ای می‌دیدم؛ چراکه ایشان ذخیره الهی بعد از امام بوده است. بعد از امام خمینی اگر بشود به کسی اعتماد کرد، به این سید است... البته هیچ‌کس حاج آقا روح‌الله نمی‌شود؛ ولی آقا سیدعلی خامنه‌ای، حقیقت ولایت فقیه هستند.»^۲ «آقای خامنه‌ای از همه به امام نزدیک‌تر است. کسی که ما به او امیدوار هستیم، آقای خامنه‌ای است. شما از ما قبول نمی‌کنید و تعجب می‌کنید؛ ولی این دید ماست. نزد ما محرز است سیدعلی خامنه‌ای.»^۳

آیت‌الله شیخ عبدالقائم شوشتری (دامت برکاته):

«هنگامی که دفتر آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله علیه قصد برپایی نمایشگاهی از آثار ایشان را در یکی از کشورهای عربی داشتند، فرمودند: رساله‌های توضیح‌المسائل این‌جانب را نبرید. وقتی مسئولین دفتر اصرار کردند که: 'خارج از کشور هم شما مقلدینی دارید و رساله توضیح‌المسائل شما لازم است'، فرمودند: 'آیت‌الله خامنه‌ای به احترام مراجع داخلی، از دادن رساله خود در داخل کشور خودداری کردند؛ ما هم به احترام ایشان در خارج از کشور رساله نمی‌دهیم.'^۴

علامه حسن زاده آملی (دامت برکاته): «رهبر

۱. خاطرات سب، ص ۷۳. به نقل از حجت‌الاسلام و المسلمین حسین حیدری کاشانی (دامت برکاته).

۲. حسن شفیعی، آیت بصیرت، ص ۱۳۱.

۳. مجله پاسدار اسلام، ش ۱۸۶، «امام خمینی رحمته‌الله علیه؛ از چشم بصیرت»؛ نک:

<http://www.hawzah.net/fa/Article/View/83832>

۴. واحد تحقیق و پژوهش بیت‌المهدی رحمته‌الله علیه، امام حاضر؛ مدیر ناظر، به نقل از: روزنامه کیهان، خرداد ۸۶، ایام رحلت آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله علیه.

عظیم‌الشانان را دوست بدارید: عالمی، عادل، رهبری، مؤمنی، موحدی، سیاسی‌ای، دلداری، رهبری، انسان ربانی، پاک، منزه که دنیا شکارش نکرده، من جایی [سراغ] ندارم که عرض کنم. همان که عرض کردم:

نه شکوفه‌ای، نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم
همه حیرتم که دهقان به چه کارکشت ما را؟
قدر این نعمت عظمی را که خدا به شما عطا فرمود، قدر این رهبر ولی و همان عبارات که سرور عزیزم جناب استاد حداد عادل، ارائه دادند؛ رهبری، ولی، الهی.

الان این انسجام ما، تکلیف شرعی ماست. مبدا عزیزان! آقایان، مبدا! این 'مبدا' را توجه داشته باشید؛ مبدا آقایان! اول انقلاب یادتان هست: چند فرقه برخاستند که می‌خواستند کشور را تجزیه کنند؟! حواستان جمع باشد، مبدا این وحدت ما را! مبدا این جمعیت ما را! مبدا این کشور علوی را! مبدا این نعمت ولایت را از دست شما بگیرند.

خدایا به حق پیغمبر و آل پیغمبر، سایه این بزرگ‌مرد، این رهبر اصیل اسلامی، حضرت آیت‌الله معظم خامنه‌ای عزیز را مستدام بدار و الهی‌آمین، الهی‌آمین، الهی‌آمین؛ به عدد کلمات آمین.^۵
حضرت علامه حسن زاده آملی (دامت برکاته) در پی سفر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به شهرستان آمل در سال ۷۷، کتاب انسان در عرف عرفان خود را به ایشان تقدیم کرده‌اند. متن ادبی و محبت‌آمیز این تقدیم‌نامه این‌گونه است:

۵. به نقل از:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿الْم (۱) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲) هُدًى
وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳)﴾^۱

با سلام و دعای خالصانه و ارائه ارادات بی پیرایه جاودانه به حضور باهرالنور رهبر عظیم الشان کشور بزرگ جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله معظم، جناب خامنه‌ای کبیر، متع الله الاسلام و المسلمین بطول بقائه الشریف، این اثر نمونه دوران را اعنی، رساله «انسان در عرف عرفان» را به پاس تجلیل و تکریم و ابراز شادمانگی از نزول اجلال آن یگانه دوران در دارالاسلام و الایمان، شهر هزارسنگر آمل مازندران، از جانب خودم و از جانب همه شهروندان بزرگوار این بلد طیب و خطه شهرستان آمل، بلکه از جانب همه فرزندان گرامی و گران قدر استان مازندران، به پیشگاه مبارک آن ولی بحق که مصداق بارز رساله است، با کمال ابتهاج و انبساط تقدیم می‌دارم و عزت و شوکت روزافزون آن قائد اسوه زمان را همواره از حقیقه الحقائق، خداوند سبحان مسئلت دارم.

یارب، دعای خسته دلان مستجاب کن.

۲۰ خرداد ۷۷، حسن حسن زاده آملی

آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته): «یک روز مهمان مقام معظم رهبری بودم. فرزند ایشان آقامصطفی نیز نشسته بود که سفره گسترده شد. آیت الله خامنه‌ای به وی نگاهی کرد و فرمود: 'شما به منزل بروید.' من خدمت ایشان عرض کردم: 'اجازه بفرمایید آقا زاده هم باشند؛ من از وی درخواست کرده‌ام که با هم باشیم.' آقا فرمودند: 'این غذا از بیت المال است، شما هم مهمان بیت المال هستید؛ برای بچه‌ها جایز نیست که بر

سر این سفره بنشینند. ایشان به منزل بروند و از غذای خانه میل کنند.^۱

من در آن لحظه فهمیدم که خداوند چرا این همه عزت به حضرت آقا عطا فرموده است.^۱

حجت الاسلام و المسلمین کاظم صدیقی (دامت برکاته):^۲ «همه حرکات و اعمال

رهبر معظم انقلاب در مسیر حسینی و الهی است و باید قدردان این آفتاب عالم تاب در جامعه باشیم.

اگر شبانه روز شکر نعمت بهره‌مندی از این وجود عزیز را به درگاه الهی داشته باشیم، نتوانسته‌ایم

حق مطلب را آن‌گونه که باید و شاید ادا کنیم و خدا را شاهد می‌گیرم که ایشان ذره‌ای هوای

نفس در وجود خود ندارد که این برکت است... همه رهبران دنیا اسیر قدرت و ثروت هستند و

رؤسای جمهور بسیاری از کشورها به این بلایا مبتلا هستند...؛ اما ویژگی انقلاب ما که الهام گرفته از

عاشورا است، این است که رهبران ما اسیر این دو نیستند: امام خمینی علیه السلام که رهبر مستضعفان و

آزادگان عالم بودند، در حسینیه جماران زندگی کردند و حاضر به تغییر آن نشدند و هیچ مال

و زرق و برق دنیا را نخواستند و رهبری معظم و کنونی انقلاب نیز همین رویه را در پیش دارند و

شما ذره‌ای هوای نفس در ایشان پیدا نمی‌کنید؛ زیرا آنان با خدا معامله کرده‌اند...

یکی از مناطق ممنوعه برای رهبری جامعه اسلامی این است که عطش قدرت و ثروت

نداشته باشد و بتواند نفس خود را تحت کنترل داشته باشد و شما هیچ‌گاه سراغ ندارید که

۱. به نقل از:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx/comment/index.aspx?mobile=fa&pid=113102>

۲. امام جمعه موقت تهران.

رهبری معظم ما، راضی به پذیرش مسئولیتی بوده باشند. در قضیه ریاست جمهوری و حتی رهبری ایشان که خبرگان ملت تکلیف کردند، ایشان نپذیرفتند و فرمودند: «آمادگی ندارم» و [حتی] یک روز [هم] داوطلب هیچ پست و مقامی نبودند. در دو بحث مهم قائله ۱۸ تیر و فتنه اخیر هم دیدید [که] چگونه حسینی عمل کردند و در هر دو، خطاب به امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الْمَشْرُوفَ فرمودند که: «من جان ناقابل خود را کف دست گرفته‌ام» و باکی هم نداشتند. این حرکت حسینی و تبلیغ عملی قیام عاشوراست ...

دشمنان بدانند که رهبر ما رهبر همه دل‌ها و همه مردم است و ولایت تنها چیزی است که می‌تواند محور وحدت قرار گیرد و همین‌ان هم پیرِ رحمتِ ولایت، همه را دربر گرفته است. یقین داشته باشید هیچ‌گاه سلطنت نمی‌تواند جای ولایت را بگیرد و اینکه عده‌ای قلیل بخواهند ایجاد فتنه کنند و بین ملت فاصله بیندازند، عملی نیست و موفق نخواهند شد.^۱

«خبرگان رهبری انسان‌های اصیلی هستند که با تصمیم انقلابی‌شان در زمان رحلت حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، دشمنان نظام اسلامی را مأیوس کردند....»

با عنایت خدا بود که بعضی از خبرگان، در هنگام رأی‌دادن به مقام معظم رهبری، حالتی را احساس کردند که موجب انتخاب معظم‌له برای رهبری نظام گردید؛ درحالی‌که خود ایشان هیچ تمایل و دلی به ریاست نداشت. چشم تیزبین

۱. مراسم چهلمین روز درگذشت عالم ربانی آیت‌الله نجومی رحمته‌الله‌علیه، در مسجد بروجردی کرمانشاه:

خبرگان، علمای موفق و ره‌یافته ما بود که در آن روز با کشف گنجی از میان علمای اسلام، به حکیمی عادل، باکفایت و انقلابی رأی دادند و با این تصمیم اسلامی [و] انقلابی و تاریخی خود، دشمنان را که در آن روز، کمر همت برای سرنگونی نظام بسته بودند، مأیوس کردند...

دشمن در این توفان‌ها قصد داشت که به خیمه نظام، یعنی ولایت فقیه لطمه وارد کند که با هوشیاری و تیزبینی مقام معظم رهبری و ملت شریف ایران، این قصد شوم به نتیجه نرسید...
خبرگان رهبری مکرر و مکرر و برای بار آخر اعلام و تأکید کردند که ولایت فقیه، رکن رکن نظام ماست و این لباس به قامت رسای آیت‌الله خامنه‌ای برازنده و دوخته شده است.^۱

آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته): «در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام، رهبری حکومت برعهده شبیه‌ترین افراد از نظر علم، تقوی و مدیریت به معصوم است... مقام معظم رهبری نمونه و سایه‌ای از شخصیت ائمه علیهم السلام در همه ابعاد است.»^۲ «بنده صادقانه عرض می‌کنم؛ اگر امثال بنده شبانه‌روز تسبیح دست بگیریم و فقط خدا را شکر کنیم که خدا چنین رهبری به ما داده، والله معتقدم که از عهده شکر این نعمت بر نمی‌آییم. نمی‌توانیم درک کنیم که خدا چه نعمت بزرگی به ما داده است که این خصوصیت‌ها را در یک شخص جمع کرده است.

امروز پرچم‌دار حمایت از دین، رواج اسلام و تشیع، تقوا و بصیرت، اراده الهی تعلق گرفته

۱. نماز جمعه تهران، ۱۰ مهر ۸۸، روزنامه رسالت، ۱۱ مهر ۸۸.

۲. دیدار با جمعی از فرهنگیان مشهد مقدس، ۹ دی ۸۸.

[است] که این شخصیت عظیم باشد. از عمق دل‌مان دعا می‌کنیم که خدای متعال بر طول عمر و عزت و تأییدات ایشان بیافزاید... واقعاً رهبر عزیز ما تالی تَلُوا معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است...؛ از هر زمانی هم اگر اشاره‌ای فرمودند، ما به همان سمت حرکت می‌کنیم: گفتند به پیش، حرکت می‌کنیم؛ گفتند ایست، می‌ایستیم. معنای ولایت فقیه همین است؛ و الا فتوا مربوط به مراجع علماست؛ همیشه بوده و هست. ولایت این است که [فقیه] حاکمیت داشته باشد. به پیش [یعنی] واجب است حرکت کنیم. اینجا جایی نیست که دیگر بنشینیم و تأمل کنیم و بحث کنیم با آقا که حالا شما درست فهمیدید یا نه! [ولی فقیه] فرمانده است؛ مثل جبهه، وقتی فرمانده لشکر می‌گوید به پیش، باید رفت.^۲

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی رحمته‌الله: «بر خود واجب می‌دانم که شهادت دهم، زندگی داخلی آیت‌الله خامنه‌ای، نه از باب اینکه رهبر عزیز انقلاب ما به این حرف‌ها نیاز داشته باشند، بلکه وظیفه خود می‌دانم تا این مهم را به مردم مسلمان و انقلابی ایران بگویم؛ من از داخل منزل ایشان مطلع هستم: مقام معظم رهبری در خانه، بیش از یک نوع غذا، بر سفره ندارند. خانواده معظم‌له روی موکت زندگی می‌کنند. روزی به منزل ایشان رفتم. یک فرش مندرس آنجا بود. من از زبری آن فرش به موکت پناه بردم!»^۳

۱. مثل.

۲. جشن بزرگ عمامه‌گذاری طلاب مدرسه معصومیه قم، ۱۸ آذر ۸۸:

<http://www.rajanews.com/detail.asp?id=41073>

۳. به نقل از:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx/comment/index>.

۳. درایت و تدبیر و کارآمدی

آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه: «بنده به‌عنوان کسی که هم عضو مجلس خبرگان هستم و هم اینکه آشنایی با آیت‌الله خامنه‌ای دارم عرض می‌کنم... کسی که در جهان سیاست استادی چون امام امت داشته است و خودش نیز دارای استعداد سرشار است، چنین فردی دارای مقامات بلند از درک سیاسی است. دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری ایشان یک شاهد قوی بر این مطلب است: سفرهایی که ایشان به کشورهای خارج داشته‌اند به‌عنوان یک سیاست‌مدار در صحنه‌های سیاسی جهان درخشیده است.»^۱

آیت‌الله‌العظمی اراکی رحمته‌الله‌علیه: «ملت ایران قدر این نعمت الهی [مقام معظم رهبری] را می‌دانند. و اکنون از وارث امام خمینی تبعیت می‌کنند. انتصاب شایسته حضرت‌عالی به مقام رهبری، مایه دلگرمی است.»^۲

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی (دامت‌برکاته): «در حکومت اسلامی هسته مرکزی، ولایت فقیه است و ولایت و مرجعیت موضوع بسیار مهمی است که در این میان ولایت، شرایط بسیار سخت و سنگین‌تری نسبت به مرجعیت دارد و آن، مدیریت، شجاعت، بصیرت و آگاهی به اوضاع جهان و مسلمانان، وقت‌شناسی و دیگر صفاتی است که مقام معظم رهبری همه آن‌ها را در حد

اعلا دارا هستند.»^۱

«بعد از امام، دشمنان چنگ و دندان تیز کرده بودند و در رأس همه، استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا می‌خواستند، انقلاب را تضعیف کنند و با جنگ‌های سخت و نرم آن را براندازند؛ اما کسی که توانست بیست سال با قدرت این انقلاب را نگه دارد، آیت‌الله خامنه‌ای بود.»^۲

«رهبر کسی است که دارای ویژگی‌هایی چون اسلام‌شناسی، عدالت، مدیریت و تدبیر، مهربانی و شجاعت باشد که تمام این صفات در آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد.

کسانی که فکر کرده‌اند با این حرکت‌ها می‌توانند ریشه ولایت فقیه را سست کنند، سخت در اشتباهند؛ امروز که بیش از بیست سال از ارتحال امام خمینی علیه‌السلام می‌گذرد، آیت‌الله خامنه‌ای توانسته‌اند این نظام را به خوبی اداره کنند و باعث شده‌اند این نظام رشد و پیشرفت بسیاری داشته باشد.»^۳

آیت‌الله جوادی آملی (دامت برکاته): «تردیدی نیست که همان‌طور که امام خمینی علیه‌السلام جریان ولایت و امامت را در عصر غیبت به بهترین وجهی در کسوت ولایت فقیه نمایاند، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در زمان غیبت امام راحل علیه‌السلام، جلوه‌ها و شئونات زنده و کارآمد نظام ولایت فقیه را به زیبایی ارائه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که این حرکت، خود بهترین

۱. روزنامه همشهری، ۵ آذر ۷۶ به نقل از:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8801080186>

۲. بیانات در دیدار با جمعی از کارکنان و فرماندهان نیروی انتظامی:

<http://www.rajaneews.com/news/26543>

۳. در اجتماع عظیم مردم قم؛ جمع معترضین به هتک حرمت مقدسات:

<https://javanonline.ir/fa/print/201355>

شیوه در نمایاندن جریان ولایت فقیه است.^۱ «از حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) برای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی) که ساختار حکومت مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی را با رهبری حکیمانه و خردمندانه خود، مستقیم و استوار داشته‌اند عنایت ویژه را طلب نماییم.»^۲

علامه محمدحسین حسینی طهرانی رحمته‌الله علیه: «بعد از رحلت آیت‌الله خمینی که عنوان رهبری را به جناب آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای سپرده‌اند، در اینجا هم بایستی ما وظیفه خودمان را بدانیم... از نقطه نظر اینکه عنوان بیعت با ایشان هم براساس رهبری بعد از آیت‌الله خمینی بوده است، اطاعت از ایشان هم در امور اجتماعی و سیاسی که لازمه رهبری است، واجب می‌باشد و ایشان هم بحمدالله فردی است مجاهد و عامل و مدبر و متدین و بنده گرچه تا به حال ایشان را ملاقات نکرده‌ام؛ ولی یک روز که مرحوم شهید مطهری آمده بودند به منزل ما، از ایشان سؤال کردم: 'چه افرادی در شورای انقلاب شرکت دارند؟' ایشان چند نفر را اسم بردند که یکی از آن‌ها آقای خامنه‌ای بودند که در آن هنگام چندان هم بین مردم معروف نبودند. بعد هم از ایشان پرسیدم: 'آقای خامنه‌ای چطور آدمی است؟' گفتند: 'آدم خوب و وزین و عاقل و مدبر و آدم مجاهدی است و خلاصه آقای مطهری از ایشان تعریف کرد.' و در این هفت‌هشت‌ساله که زمام امور به دست ایشان بوده است، آنچه به گوش ما خورده، خدمات

۱. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت و فقاہت و عدالت، ص ۲۱، به نقل از: <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx>

۲. عبدالله جوادی آملی، فطرت در قرآن، ج ۱۲، ص ۱۸، به نقل از: <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx>

خوبی بوده است؛ چه از نظر خطبه‌هایی که در نماز جمعه ایراد کرده‌اند و چه مسافرت‌هایی که برای اعلاء اسلام و مسلمین انجام داده‌اند. خلاصه من حیث المجموع یک آدم جاافتاده و عاقل و دلسوزی است برای دین و در این کوران انقلاب، امتحانات زیادی داده‌اند که نتایج خوبی داشته است و شاید هم برهمین اساس نمایندگان خبرگان ایشان را انتخاب کرده‌اند.^۱

آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته): «من درباره ویژگی‌هایی که خداوند متعال به ایشان عطا فرموده‌اند، نمی‌توانم صحبت کنم؛ ولی در چند جمله کوتاه، فقاقت توأم با تقوا، تیزهوشی توأم با سعه صدر، مدیریت توأم با تعبد، احتیاط توأم با شجاعت و شهامت، روح عبادت، اخلاق و اعتماد به نفس توأم با توسل به حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ در ایشان جمع شده است.»^۲

«ولایت فقیه عامل پیروزی انقلاب اسلامی، ملاک مشروعیت نظام اسلامی و مایه تداوم و بقاء آن است... هر عاقل منصفی می‌پذیرد که در طول سه دهه گذشته، امام راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه در امور داخلی و چه در مسائل خارجی، از هر جهت بهترین نوع مدیریت را داشته‌اند و بارها این نظام را از بحران نجات داده‌اند.»^۳

«اگر قاطعیت و صلابت رهبری (مدظله‌العالی) نبود، خیلی از سیاستمداران ما دست تسلیم

۱. سید محمد حسین حسینی طهرانی، وظیفه فرد مسلمان در احیای حکومت اسلام، درس نش.

۲. کیهان، ۳۰ خرداد ۸۸.

۳. دیدار با جمعی از مسئولان و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته):

در برابر امریکا بالا برده بودند. آنچه باعث شد ایران بین افغانستان و عراق به عنوان یک قدرت مستقل باقی بماند، صلابت رهبری (مدظله العالی) و کسانی است که همسو با رهبری بودند... چیزی که به ما عزت بخشیده اسلام است، به همین دلیل باید اسلام را تقویت کنیم.»^۱

«بعد از رحلت حضرت امام خمینی ره مستکبران جهانی برای لغو حکم اعدام سلمان رشدی که توسط بینان گذار جمهوری اسلامی ایران صادر شده بود، فعالیت گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کردند و برخی از کشورها، سفیران خود را از ایران فرا خواندند.

در پاسخ به این حرکت‌های قلدرانه، مقام معظم رهبری نه تنها تسلیم فشارها نشدند؛ بلکه با قاطعیت فرمودند: 'سفیران فراخواند شده راهی جز بازگشت ندارند!'

گرچه در آن روز این قاطعیت برای عده‌ای غیرقابل هضم بود؛ اما مرور زمان، آینده‌نگری و حسن تدبیر را روشن کرد و جهان بر تصمیم قاطع و پیش‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای آفرین گفت.

با گذشت زمان، همه سفیران به کشورمان بازگشتند و نه تنها حکم اعدام سلمان رشدی لغو نگردید؛ بلکه عزتی دیگر به عزت‌های ملت مسلمان ایران افزوده شد.»^۲

«باید چشم و گوش ما همیشه متوجه سخنان مقام معظم رهبری باشد؛ زیرا خداوند نور و بصیرتی به ایشان عنایت کرده که به دیگران نداده؛ لذا کفران نعمت است که بعد از تجربه چهل ساله

۱. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته):

<http://mesbahyazdi.org/farsi/?news=17>

۲. علی شیرازی، پرتوی از خورشید، ص ۱۸۱.

ایشان در مبارزات سیاسی و رهبری، به خود اجازه دهیم در حسن تدبیر ایشان تردید کنیم.»^۱

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دامت برکاته): «پس از گذشت چند سال و تجربه‌هایی که این مرد بزرگوار یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از خود نشان داد و عملکردی را که در انجام این وظیفه سنگین ارائه داده‌اند، دیگر جای هیچ سؤال و استفهامی برای دشمنان تا چه رسد به دوستان نیست. از هر جهت ایشان ثابت کردند که شایسته‌ترین فرد و صالح‌ترین رهبر برای این جامعه هستند. خصلت‌هایی در رهبری شرط است. رهبری یک جامعه مخصوصاً در دنیای امروز که کل دنیا در مقابل انقلاب بسیج شده و بلکه حتی جهان اسلام را هم در مقابل جمهوری اسلامی تحریک کرده‌اند، شروط بسیار دقیق و ویژه‌ای را لازم دارد که بحمدالله به خوبی در ایشان جمع است: از نظر درک و فهم امور اجتماعی و فهم فرهنگ دنیا و از آن طرف، فهم روح اسلام و فهم درست و صحیح آرمان‌ها و اهداف اصلی اسلام و مدیریت در این بخش و سابقه خدمت در این هدف بزرگ که برپایی یک نظام اسلامی است و سال‌ها زحمت کشیدن و فکر کردن و طرح دادن و مبارزه کردن، این‌ها خیلی دخیل است در اینکه یک شخصی دارای چه بینشی شود... این‌ها شرایطی است که در کسان دیگر به این درجه از کمال دیده نمی‌شود.»^۲

آیت‌الله علوی گرگانی (دامت برکاته): «حدود ده

۱. در دیدار جمعی از نیروهای وزارت دفاع به نقل از:

<http://www.mobaleghan.com>

۲. درس خارج فقه آیت‌الله هاشمی شاهرودی (دامت برکاته)، ۲۸ آبان ۷۶:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8801080186>

سال است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با حسن تدبیر و درایت این مملکت را اداره کرده است...»^۱
حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله علیه: «این الهامی بود از الهامات الهی و هدایتی بود از هدایت معنوی روح حضرت امام (رضوان‌الله‌علیه) که هنوز این ملت را رها نکرده و این رحمتی بود از طرف خداوند که در کوران این مصیبت جان‌گناه، با تعیین آیت‌الله خامنه‌ای که از یاران صدیق امام و از یاران خوش‌نام و خوش‌سابقه بوده و مجتهد و عادل است، به‌عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، آرامشی توأم با اعتماد و اطمینان بر کشور و امت فداکار حاکم گردید.»^۲

آیت‌الله خزعلی رحمته‌الله علیه: «انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری جمهوری اسلامی که فردی پخته و عالم و باسیاست و مدبّر می‌باشد، در خارج دشمنان را در سکوت و ابهام فرو برد و در داخل آرامش فراهم ساخت.»^۳

آیت‌الله امامی کاشانی (دامت برکاته): «آیت‌الله خامنه‌ای به تمام رموز سیاست و حکومت آگاه بوده و شخصی با ورع، باتقوا، محبوب، مخلص، عالم و دارای بنیۀ فقهی هستند.»^۴

آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی (دامت برکاته): «ولایت فقیه ادامه حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصوم علیهم‌السلام است که در عصر حاضر بر عهده ولی عالم، شجاع، مدیر و مدبّر می‌باشد و این ویژگی‌ها در مقام عظمای ولایت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به کمال وجود دارد.»^۵

۱. روزنامه کیهان، ۸ آبان ۷۶.

۲. روزنامه رسالت، ۲۳ خرداد ۶۸.

۳. روزنامه رسالت، ۲۳ خرداد ۶۸.

۴. پژوهشکده تحقیقات اسلامی ولی فقیه در سپاه، نسل کوثر، ص ۸۸.

۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نشریه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و

آیت‌الله مجتهد شبستری (دامت برکاته):
 «تمام امتیازات امام خمینی علیه السلام در حضرت آیت‌الله
 خامنه‌ای مقام معظم رهبری مشهود است...
 خوشبختانه پس از ارتحال امام راحل به لطف
 الهی شخصیتی برای رهبری انتخاب شد که
 صلابت امام، دشمن‌شناسی، مدیریت و تمام
 امتیازات امام خمینی علیه السلام در ایشان مشهود است
 و قاطعیت و تدبیر مقام معظم رهبری در حوادث
 و بحران‌های اخیر کشور، نمونه‌ای از امتیازات
 شخصیتی ایشان بود.»^۲

آیت‌الله عبدالنبی نمازی (دامت برکاته):^۳ «حُسن
 مدیریت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران
 بیست‌ساله تصدی ولایت فقیه ملموس و کاملاً
 پررنگ است و ایشان درهوشیاری، بیداری و
 آگاهی‌دادن جامعه و عبور کشور از بحران‌های
 مختلف ایفاگر نقش بی‌بدیلی بوده‌اند.

نقش مقام معظم رهبری در عرصه‌های نظامی،
 علمی، هسته‌ای، فناوری و همچنین توسعه
 فرهنگ اهل بیت علیهم السلام کم‌نظیر و مثال‌زدنی
 است.»^۴

حضرت آیت‌الله سید علی اصغر
 دستغیب (دامت برکاته):^۵ «ما فقیه جامع‌الشرایط
 را یاور و جانشین امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌دانیم و به
 دستور هرکس نمی‌توان راه افتاد و هر حرکتی را
 انجام داد. در طول مدت رهبری حضرت آیت‌الله

۱. اقتصادی گزیده‌ها، س ۷، ش ۹.

۲. امام جمعه تبریز.

۳. به نقل از:

<http://www.rasanews.ir/TextVersion/Detail/?Id=74408&Serv=36>

۴. عضو مجلس خبرگان رهبری.

۵. به نقل از:

<http://www.rajanews.com/Detail.asp?id=45145>

۶. نماینده مردم فارس در مجلس خبرگان رهبری.

خامنه‌ای، باوجود آن‌همه فرازونشیب، ایشان با تدبیر، مدیریت، شجاعت و امدادهای غیبی الهی به بهترین شکل ادارهٔ امور کشور را انجام دادند. معتقدم که اگر خداوند پرچم ولایت فقیه را به مقام معظم رهبری داده، باطن ایشان را هم دیده است.^۱

آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری (دامت برکاته):^۲ «کمیسیون تحقیق این مجلس [خبرگان رهبری] در جمع‌بندی نهایی خود، مدیریت خردمندان و مدبرانهٔ رهبر معظم انقلاب را در طول دوران زعامت ایشان به‌ویژه در حوادث پس از انتخابات را تحسین کرد... وظیفهٔ اصلی خبرگان ملت پس از تعیین رهبری، نظارت بر باقیماندن صفات و ویژگی‌های ایشان است و این کار برعهدهٔ کمیسیون تحقیق قرار دارد.»^۳

۱. به نقل از:

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8810100792>

۲. عضو خبرگان رهبری، امام‌جمعهٔ قم و رئیس سابق حوزهٔ علمیهٔ قم.

۳. به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی:

<http://www.irna.ir>